



ISMJ 2014; 17(3): 451-475

دوماهنامه طب جنوب

پژوهشگاه زیست-پزشکی خلیج فارس

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر

سال هفدهم، شماره ۳، صفحه ۴۷۵ - ۴۵۱ (مرداد و شهریور ۱۳۹۳)

سندروم‌های نوروтокسیک در مسمومیت‌های دریایی؛

یک مقاله مروری

غلامحسین محبی^{۱*}، ایرج نبی‌پور^۱، امیر وزیری‌زاده^۲

^۱ بخش توکسینولوژی، مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر

^۲ گروه زیست‌شناسی دریا، مرکز مطالعات و پژوهش‌های خلیج فارس، دانشگاه خلیج فارس بوشهر

(دریافت مقاله: ۹۳/۲/۱۵ - پذیرش مقاله: ۹۳/۳/۸)

چکیده

زمینه: نوروтокسین‌های دریایی از گروه بیوتوکسین‌های دریایی، زهرهای طبیعی هستند که به‌طور عمده توسط دینوفلاژلات‌ها، دیاتوم‌ها و چندین گونه از بی‌مهرگان و ماهی‌ها تولید می‌گردند. مسمومیت دریایی، نتیجه مصرف حیوانات دریایی حاوی این توکسین‌ها بوده که همراه با اثرات سوء قابل توجهی هستند.

مواد و روش‌ها: این مطالعه، برخی از اطلاعات را در مورد ساختار نوروтокسین‌های دریایی، هدف مولکولی و فارماکولوژی آن‌ها، روش‌های آنالیز تشخیصی و سنجش کمی آزمایشگاهی، تظاهرات بالینی و همچنین پیشگیری و درمان، در صورت دستیابی، فراهم می‌آورد. علاوه بر این، این مطالعه بر روی مسمومیت دریایی و سندرم‌های مختلف نوروтокسیک مانند سیگواترا، مسمومیت تترودوتوکسین و مسمومیت صدفی فلج دهنده، پس از مصرف مواد حاوی توکسین‌های دریایی متمرکز گردیده است.

یافته‌ها: تعدادی از نوروтокسین‌ها با توجه به قدرت توکسیسیته آن‌ها بر اساس LD₅₀ در بین نوروтокسین‌های مورد مطالعه، مایتوتوکسین، پالی توکسین و سیگواتوکسین، تترودوتوکسین و ساکسیتوکسین، بروتوکسین، آزاپیراسید، یسوتوکسین، کولیاتوکسین، دومونیک اسید و کونوتوکسین‌ها به ترتیب دارای قدرت بیشتری گزارش گردیده‌اند. هدف اصلی بسیاری از این نوروтокسین‌های دریایی، کانال‌های سدیمی وابسته به ولتاژ و در نتیجه مهار هدایت یونی از طریق این کانال است. علاوه بر این، این ترکیبات با کانال‌های پتاسیمی و کلسیمی وابسته به ولتاژ تداخل و شار یون‌های مذکور را به انواع مختلف سلول‌ها، تعدیل می‌نمایند. همچنین مشخص گردیده است که هدف پالیتوکسین، پمپ Na⁺-K⁺/ATPase می‌باشد.

نتیجه‌گیری: مطالعات مورد بررسی نشان دادند که سیگواترا شایع‌ترین سندرم مسمومیت دریایی است، اما اغلب کشنده نیست. مسمومیت ماهی بادکنکی حاصل مصرف ماهی حاوی تترودوتوکسین و مسمومیت صدفی پارالیتیک، نسبت به سیگواترا دارای شیوع کمتری بوده، اما میزان مرگ و میر بالاتری دارد. همچنین بر روی برخی از توکسین‌ها نظیر مایتوتوکسین با وجود قدرت سمیت بالا، مطالعه زیادی انجام نگرفته است. علاوه بر این، اثرات فارماکولوژی، مکانیسم اثر و یا هدف ملکولی برخی از توکسین‌ها نظیر کولیاتوکسین و اوستروئوتوکسین^۳، همچنان ناشناخته باقی مانده‌اند که هر کدام می‌تواند موضوع پژوهش‌ها و شاید نسل داروهای آتی باشد.

واژه‌های کلیدی: نوروтокسین‌های دریایی، سندرم‌های نوروтокسیک، کانال‌های وابسته به ولتاژ، تظاهرات بالینی

* بوشهر، مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج فارس، پژوهشگاه زیست پزشکی خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر

مقدمه

توکسینولوژی نه تنها بر عوارض جانبی متمرکز شده است؛ بلکه تعداد فزاینده‌ای از توکسین‌ها به‌عنوان ابزار مهم پژوهش و درمان تلقی می‌گردند. از توکسین‌ها، در جهت باز کردن قفل اسرار بیماری‌ها، به‌عنوان عوامل تشخیصی در آزمایشگاه‌ها، و یا به‌عنوان عوامل درمانی برای درمان بیماری‌های بشر از جمله عوامل ضد سرطان، داروهای ضد صرع، داروهای ضد انعقاد، ضد درد، داروهای ضد فشار خون بالا استفاده می‌گردند. توکسینولوژی یک زمینه بسیار غنی برای پژوهش است (۱-۳).

علاوه‌بر گیاهان، قارچ‌ها و میکروارگانیسم‌ها، جانوران زهرآگین را می‌توان در شاخه‌های مهره‌داران و بی‌مهرگان یافت که در دریا و خشکی زندگی می‌کنند. توکسینولوژی دریایی شامل موارد تزریق سموم دریایی (گزش عروس دریایی و صدمات ماهی‌های زهرآگین) و مسمومیت‌های دریایی (مصرف ماهی‌های دریایی سمی) می‌گردند (۱).

تزریق زهر توسط جانوران زهرآگین که در آن‌ها توکسین، توسط یک غده تخصصی تولید می‌گردد؛ انجام می‌شود. تزریق توکسین‌های دریایی توسط جانوران دریایی شایع هستند و معمولاً شامل عوارض جزئی بوده و به درمان پزشکی نیاز ندارند. هر چند که آسیب‌های ناشی از برخی موجودات دریایی زهرآگین نظیر نیش عروس دریایی جعبه‌ای (۴ و ۵) و سنگ ماهی، خطرناک‌ترین هستند (۶) و ممکن است باعث اثرات شدید و بالقوه کشنده گردند. مطالعات متعددی در زمینه‌های مکانیسم‌های عمل، دستگاه‌های زهری، علائم، عوارض، مدیریت مسمومیت، درمان و آنتی‌دوت‌های آن‌ها انجام شده است (۷).

علاوه‌بر این، برخی از جانوران دریایی، ترکیبات سمی

موجود در محیط را در بدن خود انباشته و هنگام خورده شدن آن‌ها، می‌تواند مسمومیت و اثرات سمی قابل توجهی اتفاق افتد (۸).

ماهی‌ها و دیگر حیوانات دریایی، بخش مهمی از رژیم‌های غذایی انسان را در بسیاری از نقاط جهان، نظیر اقیانوس آرام و دریای کارائیب تشکیل می‌دهند و به تبع آن، میزان بالای مسمومیت‌های دریایی در این مناطق دیده می‌شود (۹).

در بخش‌هایی از اقیانوس آرام، تعداد موارد مسمومیت دریایی بیش از ۱۲۰۰ در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال است (۱۰).

هر چند بیشتر موارد مسمومیت دریایی در جوامع روستایی ساحلی اتفاق می‌افتد، بسیاری از مردم در خارج از این جوامع و نیز مسافران این مناطق، از مسمومین مراجعه کننده به پزشکان هستند. تمایزهای مهم و خاصی بین گزش و آسیب با تزریق توکسین و مسمومیت مربوط به مسمومیت دریایی وجود دارد (۱۱).

اثرات بالینی مسمومیت دریایی عمدتاً گوارشی و عصبی بوده و معمولاً اثرات ناشی از تزریق توکسین‌های دریایی، نظیر آثار دردناک قلبی و عروقی، متفاوت هستند. بسیاری از توکسین‌های دریایی، کانال سدیمی وابسته به ولتاژ در اعصاب میلین‌دار و بدون میلین را تحت تأثیر قرار داده و موجب مشکلات عصبی محیطی، اعم از پلی نوروپاتی حسی خفیف تا فلج شل تهدید کننده حیات می‌گردند (۱۱).

اگر چه موارد مسمومیت‌ها بر اساس خصوصیات مختلفی نظیر نوع و ویژگی‌های جانور زهرآگین، میزان و نوع زهر و نیز خصوصیات قربانی می‌توانند اثرات متفاوتی را در هنگام مواجهه ایجاد نمایند (۵)؛ این مطالعه بر روی تظاهرات ناشی از مسمومیت‌های

دریایی به‌ویژه سندرم‌های عصبی مختلف، پس از مصرف آن‌ها، تمرکز می‌نماید.

توکسین‌های دریایی

بسیاری توکسین‌های دریایی و ساختار آن‌ها یا شناسایی شده‌اند و یا عملکرد آن‌ها موضوع تحقیقات در حال انجام است. به‌طور کلی، توکسین‌های دریایی، توکسین‌هایی با وزن مولکولی پایین و مقاوم به گرما و اسید معده می‌باشند (۱۱).

توکسین‌های دریایی، همواره مورد علاقه

فیزیولوژیست‌ها، بیوشیمیست‌ها، فارماکولوژیست‌ها، سازندگان سلاح‌های جنگی بیولوژیکی و نویسندگان داستان‌های جاسوسی و رمز و راز دار بوده و به یک ابزار مفید برای مطالعه عملکرد عصبی در دست عصب‌شناسان، تبدیل شده است (۱۲).

جدول یک، برخی از توکسین‌های معمول و منابع مواجهه، آثار و نشانگان بالینی ناشی از آن‌ها را نشان می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱) برخی از آثار و نشانگان بالینی ناشی از توکسین‌های معمول و منابع در معرض قرارگیری آن‌ها (۱۱)

توکسین دریایی	منشاء توکسین	منبع تغذیه‌ای	اثرات و نشانگان بالینی
تتروdotoxin (Tetrodotoxin)	احتمالاً باکتریایی	ماهی بادکنکی (فوگو)، وزغ ماهی	مسمومیت تتروdotoxin (ماهی بادکنکی (fugu): عوارض خفیف گوارشی و فلج نزولی، پیشرفت سریع به سمت نارسایی تنفسی در موارد مسمومیت شدید
سیگواتوکسین‌ها (Ciguatoxins)	دینوفلاژلات-گامبیردیسکوس توکسیکوس (Gambierdiscus toxicus)	ماهی‌های ریف	سیگواترا: اثرات گوارشی متوسط تا شدید (استفراغ، اسهال و کرامپ‌های شکمی) و اثرات نوروژیک (میالژی، بی‌حسی، آلوداینیای سرد، و آتاکسی)؛ به ندرت کشنده
ساکسیتوکسین (Saxitoxin) و گونیاتوکسین‌ها (Gonyautoxins)	ریز جلبک‌های دریایی توکسیک Alexandrium spp- Pyrodinium bahamense var compressum - Gymnodinium catenatum	صدف‌های دو کفه‌ای (ماسل‌ها، اویسترها و کلام‌ها)	مسمومیت صدفی پارالیتیک (شبیه به مسمومیت تتروdotoxin): فلج نزولی، پیشرفت سریع به سمت نارسایی تنفسی در موارد مسمومیت شدید
بروتوکسین‌ها (Brevetoxins)	دینوفلاژلات-ژیمنودینیوم برویس (Gymnodinium brevis)	حلزون صدف دار	مسمومیت صدفی نورو توکسیک، شبیه به سیگواترا: اثرات گوارشی (درد شکم، تهوع و اسهال) و آثار نوروژیک (پارستزی عضلانی، "برگشت دمایی"، میالژی، سرگیجه و اتاکسی)
دوموئیک اسید (Domoic acid)	Nitzschia spp	حلزون صدف دار	مسمومیت صدفی فراموشی دهنده: تظاهرات گوارشی و آثار غیر معمول نوروژیک از جمله سردرد، گیجی، از دست دادن حافظه کوتاه مدت، حرکات نامنظم چشم، تشنج، میوکلونوس و کما
پالیتوکسین (Palytoxin)	زوانتیدهای Palythoa sp	خرچنگ‌ها و ماهی	مسمومیت پالیتوکسین (Palytoxin): ضعیف بودن مشخصات؛ گزارش‌هایی از اثرات بر سیستم‌های نوروژیک، اتونومیک و گوارشی، میولیز

سندرم‌های بالینی مسمومیت‌های دریایی با تظاهرات عصبی سندرم‌های بالینی اصلی و مهم مسمومیت دریایی که تظاهرات عصبی در آن‌ها وجود دارد؛ شامل موارد مسمومیت‌های سیگواترا (ciguatera)، تتروdotoxin (tetradotoxin) و صدفی پارالیتیک (PS) (paralytic shellfish) می‌باشد (۹ و ۱۱).

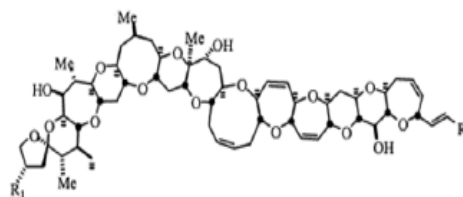
اسکومبروید (scrombroid) نیز از مسمومیت‌های رایج دیگر دریایی است، اما به دلیل انباشته شدن سم و تجمع هیستامین در ماهی فاسد، متفاوت از سایر انواع مسمومیت‌های دریایی بوده و اثرات آن مشابه به واکنش‌های آلرژیک می‌باشد (۱۳).

سیگواترا عمده‌ترین سندروم موارد مسمومیت دریایی

بوده، اما به ندرت کشنده است. مسمومیت‌های تترودوتوکسین و PS در مقایسه با سیگواترا شیوع کمتری دارد، اما میزان مرگ و میر در آنها به مراتب بالاتر است (۱۴).

مسمومیت سیگواترا

سیگواتوکسین پلی‌اتر (شکل ۱) توکسیک (LD₅₀ ip, mice = ۰/۴۵) میکروگرم بر کیلوگرم (μg/kg) لیپوفیلیک، مقاوم به حرارت و اسید است (۷). سیگواترا با مصرف سیگواتوکسین‌ها که در برخی از ماهی‌های نواحی اندمیک نیمه گرمسیری و گرمسیری و اقیانوس آرام و هند و کارائیبی تجمع می‌گردد؛ و در برخی از مناطق غیر بومی که ماهی‌ها به آنجا صادر می‌گردند، ایجاد می‌شود (۱۱ و ۱۴).



شکل ۱. ساختار شیمیایی پلی‌کتید سیگواتوکسین

فراوانی Ciguatera fish poisoning (CFP) در مناطق جهان متفاوت است (۱۵).

جدول ۲) برخی گزارش‌های مختلف منطقه‌ای در بروز CFP بازای ۱۰۰۰۰ مورد در سال (۱۵)

ناحیه جغرافیایی	میزان بروز (۱۰/۰۰۰ سال)
جزیره ریونون	۰/۷۸
استرالیا (کوئینزلند)	۳
هاوایی	۰/۳
جزایر یو اس ویرجین	۷/۶
گوادلوپ	۳۰
نواحی پاسفیک جنوبی	۹۷۰
جزایر مارشال	۲/۸۲۰

دینوفلاژلات‌های دریایی *toxicus Gambierdiscus* تولید گامبیرتوکسین‌هایی می‌نمایند که با بیوترانسفر ماسیون به سیگواتوکسین‌های قطبی‌تر تبدیل می‌گردند (۱۵).

سیگواتوکسین‌ها و متابولیت‌های آنها در ماهی‌های گیاه‌خواری که از این موجودات زنده تغذیه می‌نمایند و خود نیز توسط ماهی‌های گوشت‌خوار خورده می‌شوند؛ تجمع می‌یابند. مصرف هر دو نوع ماهی توسط انسان، به‌عنوان آخرین گروه زنجیره غذایی، می‌تواند موجب سیگواترا گردد (۱۵ و ۱۶).

برخی از ماهی‌هایی که موجب سیگواترا می‌گردند، شامل کارانجیدها (Carangids)، اپینفلیدها (Epinephelids)، لترینیدها (Lethrinids)، لوتزانیدها (Lutjanids)، مورائیدها (Muraenids)، اسکومبریدها (Scombrids)، سرانیدها (Serranids) و اسفیرائینیدها (Sphyraenids) هستند (۱۵، ۱۷ و ۱۸).

جدول ۳) نام گروهی از خانواده ماهی‌ها که موجب سیگواترا می‌گردند، همراه با نام‌های عمومی آنها

خانواده ماهی	نام‌های رایج ماهی‌ها
کارانژیدها	جک‌ها و اسکادها
اپینفلیدها	ماهی کاد، از جمله ماهی کاد گلی و ماهی کد خال خالی
لترینیدها	ماهی‌های امپراتور و لاشخور
لوتزانیدها	باس‌های قرمز، اسنایرها
مورائیدها	مارماهی‌ها
اسکومبریدها	ماکرل (ماهی خال مخالی)، از جمله تن‌ها، ماهی خال مخالی اسپانیایی
سرانیدها	باس دریایی و گروپرها، از جمله ماهی قزل‌آلای مرجانی
سفیرائینیدها	کوثر ماهیان

اگر چه سیگواترا معمول است، اما به ندرت کشنده می‌باشد. آثار نورولوژیک و گوارشی متوسطی در بسیاری از افراد مصرف‌کننده سیگواتوکسین‌ها شایع است (۱۱).

مکانیسم عمل سیگواتوکسین‌ها

سیگواتوکسین‌ها از قوی‌ترین توکسین‌های شناخته شده کانال سدیمی در پستانداران به‌شمار می‌آیند. آن‌ها در غلظت‌های بسیار پایین در حد نانو و پیکو مولار، کانال‌های وابسته به ولتاژ Na^+ (سایت ۵ کانال) را با ایجاد یک هیپرپلاریزاسیون، فعال می‌نمایند، به طوری که کانال‌های سدیمی در حالت پتانسیل‌های استراحت غشاء، باز و علائم و نشانه‌های نورولوژیکی عصبی، ظاهر می‌گردند (۱۱، ۱۶ و ۱۹).

آثار بالینی

دو دسته اصلی سیگواتوکسین‌ها، سیگواتوکسین‌های اقیانوس آرام و سیگواتوکسین‌های کارائیبی می‌باشند (۱۱). تفاوت‌های منطقه‌ای موجب تفاوت‌هایی در اثرات بالینی سیگواترا گردیده است. مثلاً سیگواتوکسین‌های اقیانوس آرام ده برابر سمی‌تر از سیگواتوکسین‌های اصلی کارائیب (ciguatoxin-۱) می‌باشد (۱۶).

سیگواترا توسط علائم مشخص گوارشی متوسط تا شدید، علائم نورولوژیکی و همچنین خارش و اثرات ناشایع قلبی عروقی مشخص می‌گردند (۱۱، ۲۰ و ۲۱). علائم گوارشی شامل اسهال، دردهای شکمی، استفراغ و تهوع و علائم نورولوژیکی مشتمل بر بی‌حسی دهان، دست‌ها و پاها (پاراستزی تیراندازی شبیه به شوک الکتریکی)، آرتراژی، آلوداینیای سرد (سوزش در تماس با سرما)، سردرد، آتاکسی، سرگیجه و گیجی و علائم دیگری نظیر سستی، خارش، عرق، اختلالات خلقی، برادی کاردی، چشم درد، دندان درد، سوزش ادرار و راش‌های پوستی می‌باشند (۱۱ و ۱۵).

آسیب‌های پوستی، ویژه بوده و شامل سرخی، حس

خارش و سوزش هستند و گاهی نیز با ضایعات وزیکولر توأم می‌گردند. این آسیب‌های پوستی ممکن است طی چند روز شدید باشند ولی سپس معمولاً فرو می‌نشینند. از دست دادن مو و ناخن نیز دیده می‌شود. در موارد بسیار شدید، ضایعات پوستی برای هفته‌ها ایجاد دردر می‌کنند. در زنان، اندام تناسلی ممکن است درگیر شود که گاهی به‌صورت شدید بوده و علائم التهاب مثانه و یا درد هنگام نزدیکی تولید نماید. با شیوع کمتر، مردان ممکن است در هنگام انزال درد داشته باشند که از آنجا که توکسین ممکن است به منی انتقال یابد؛ می‌تواند در زن نیز تولید علائم کند. میزان مرگ و میر در مجموعه‌های گوناگون از ۰/۱ تا ۱۰ درصد گزارش شده است (۷). همان‌طور که ذکر گردید به نظر می‌رسد که علائم وابسته به منطقه بوده و در نواحی جغرافیایی متفاوتند. مثلاً عوارض عصبی در منطقه اقیانوس آرام غالب است، در حالی که اثرات مربوط به گوارشی، در کارائیب غالب هستند. نشانگان عصبی نظیر توهم، ناهماهنگی، عدم تعادل، افسردگی و کابوس با مصرف ماهی اقیانوس هند مرتبط است (۱۱).

شروع علائم از کمتر از ۱ ساعت و تا ۴۸ ساعت (۱۱) (به‌طور معمول ۶-۲۴ ساعت (۱۵) متغیر بوده و معمولاً ابتدا اثرات گوارشی رخ می‌دهد که معمولاً ۱۲ تا بیش از ۲۴ ساعت رفع می‌گردد. معمولاً آثار عصبی، پس از ۲۴ ساعت با حس پاراستزی در عضلات و با شروع بی‌حسی در لب و سایر اندام‌ها، توسعه می‌یابد. هر چند که زمان شروع این علائم به‌طور قابل توجهی بسیار متغیر است (۱۴).

در بیش از ۹۰ درصد بیماران، تظاهرات عصبی، به‌صورت پاراستزی دیستال و پریورال، آلوداینیای سرد و کرختی مشاهده گردیده است. آلوداینیای سرد

که یک احساس بی‌حسی ناخوشایند هنگام زدن به آب و یا اشیاء سرد است، تقریباً پاتورنومیک سیگواترا بوده و معمولاً به اشتباه "معکوس دما" (temperature reversal) گفته می‌شود (۱۱، ۱۴ و ۱۵). این علائم عصبی معمولاً با نشانه‌هایی از یک پلی‌نوروپاتی در ارتباط است.

در سیگواترا آثار کرونیک چون خستگی، از دست دادن انرژی، آرتراژی به خصوص در زانو، مچ پا، شانه‌ها و آرنج، میالژی، سردرد، خارش، افسردگی و اضطراب گزارش شده است (۲۴-۲۲). هالوسیناسیون و سرگیجه (۲۵) و حتی کما (۲۶) نیز دیده شده است.

به نظر می‌رسد مواجهه قلبی و نوشیدن الکل موجب تسریع شروع اثرات یا حساسیت بیشتر به توکسین گردد. هر چند در مطالعات دقیقی ثبت نگردیده است و مطالعات دقیق‌تری را می‌طلبد (۱۱). CFP به ندرت کشنده است. با این حال، مرگ ممکن است در موارد شدید به علت کم آبی شدید، شوک قلبی و عروقی در طول دوره بیماری ابتدایی، و یا نارسایی تنفسی ناشی از فلج عضلات تنفسی، به‌ویژه در مناطقی که پشتیبانی تنفسی و دیگر مراقبت‌های پزشکی اورژانس در دسترس نباشد رخ می‌دهد (۲۷). خوردن امعاء و احشاء ماهی (از جمله سر، کبد و یا گنادها) با شدت علائم بیشتر نسبت به خوردن تنها فیله ماهی همراه است، زیرا CTX در چنین ارگان‌هایی با غلظت بیشتر موجود می‌باشد (۲۸).

تشخیص بالینی و آزمایشگاهی تشخیص مسمومیت سیگواترا بالینی است. ماهی حاوی سیگواتوکسین‌ها، دارای بو، طعم، و یا ظاهری متفاوت نسبت به ماهی‌های دیگر نمی‌باشد. متد تشخیصی جهت شناسایی سیگواتوکسین‌ها در گوشت ماهی وجود دارد اما در اکثر موارد مسمومیت، ماهی خورده شده

و یا از دست رفته است (۲۱ و ۲۹). در حال حاضر هیچ بیومارکر قابل اعتمادی که مبنی بر تأیید در معرض قرارگیری CTX در انسان باشد؛ وجود ندارد. اگر چه مطالعات حیوانی (۳۰ و ۳۱) نشان می‌دهد که تشخیص CTX در خون و یا سرم انسان ممکن است در آینده نزدیک امکان‌پذیر باشد (۳۲).

با وجود این گسترش روش‌های تشخیصی برای CTX در نمونه‌های انسانی، متدهای تشخیص سموم در خود نمونه ماهی، توسعه داده شده‌اند، و نتایج آن به تشخیص بالینی CFP در ایالات متحده آمریکا، کائاب و اقیانوس آرام جنوبی کمک نموده است. انجام آنالیز CTX در باقی‌مانده ماهی مصرفی در آزمایشگاه غذا و دارو ایالات متحده آمریکا (FDA) بر اساس یک پروتکل دارای دو سطح ۱- شرایط آزمایشگاهی (in vitro assay) و ۲- تکنیک شیمی تجزیه‌ای liquid chromatography-mass spectrometry (LC-MS) به تشخیص CFP در این بیماران کمک نموده است. با این حال، همچون دیگر مسمومیت‌ها، به دلیل تأخیر در ارائه نتایج حاصل از آنالیز و از طرفی اقدام بلا درنگ پزشک در زمان معاینه اولیه بیمار، مراقبت اولیه بیمار باید بر اساس پیشرفت علائم، سابقه ماهی خوردن‌های اخیر، و رد تشخیص‌های افتراقی تا رسیدن به این نوع مسمومیت باشد (۱۵ و ۳۳).

تشخیص باید بر اساس سابقه مصرف و اثرات بالینی صورت گیرد. هر چند که نشانه‌های آلودینای سرد، علائم مطرح مسمومیت سیگواترا هستند، لکن تشخیص‌های افتراقی نوروپاتی به‌ویژه علل مرتبط با پلی‌نوروپاتی‌های دمیلینه کننده التهابی حاد، نظیر سندرم گیلن باره مورد نیاز می‌باشند (۱۱).

CFP دارای علائم مشترکی با مسمومیت‌های PS،

اسکومبروید، ماهی بادکنکی، بوتولسم، انتروویروس-۷۱، و باکتریما، و همچنین مسمومیت با سموم ارگانو فسفره، مننژیت ائوزینوفیلیک و ام اس دارد (۱۵ و ۳۴).

درمان مسمومیت

پادزهر مؤثری برای سیگواترا در دسترس نیست و درمان علائم به صورت حمایتی است. برای CFP حاد، اقدامات حمایتی در دپرسیون هر عملکرد حیاتی در اولویت است (۳۵)، در درمان حمایتی، ممکن است کنترل مایعات و تعادل الکترولیتی لازم باشد (۳۶).

ممکن است عوارض قلبی و عروقی نادر، مانند برادی کاردی علامت دار و افت فشار خون شدید، نیاز به درمان داشته باشد (۱۱).

برای بیماران دارای شوک، علاوه بر جایگزینی حجم، تزریق IV بالابرنده فشار خون مورد نیاز است. جهت برادی کاردی علامت دار ممکن است دوز ۰/۵ میلی گرم در هر ۵ دقیقه آتروپین برای حفظ ضربان قلب ۶۰ مورد در دقیقه مورد نیاز است. به ندرت در بیماران بدحال بیهوش و یا دارای نارسایی تنفسی CFP ممکن است لوله گذاری داخل تراشه و تهویه مکانیکی برای حفاظت راه هوایی نیاز باشد.

برای بهبود کامل بیماران بدحال، مراقبت های ویژه مورد نیاز است. همچنین، مسمومین بدون استفراغ و اسهال شدید در چند ساعت اول پس از مصرف ماهی های سمی، ممکن است از درمان با زغال فعال خوراکی برای جلوگیری از جذب بیشتر توكسين از روده بهره مند گردند (۳۷).

مطالعات نشان داده که علاوه بر مانیتول وریدی در حیوانات آزمایشگاهی (۳۸)، انفوزیون هیپراسمولار آن در ۲۴ بیمار، موجب برگشت آثار سوء سیگواتوکسین

گردیده است (۳۹ و ۴۰). البته در برخی مطالعات نیز بین تجویز مانیتول و نرمال سالین، اختلاف قابل توجهی گزارش نگردیده است (۱۴).

مانیتول IV با دوز نیم تا یک گرم بر کیلوگرم وزن بدن در طی یک دوره ۳۰ تا ۴۵ دقیقه ای تجویز می شود. گفته می شود که تا ۷۲-۴۸ ساعت پس از مصرف ماهی هم داده شده است (۴۱)، هر چند اثرات مفید آن حتی تا چند هفته پس از مسمومیت نیز مشاهده شده است (۴۰). همچنین، مانیتول ممکن است به عنوان یک جاذب رادیکال های آزاد تولید شده توسط مولکول CTX عمل کند و حتی ممکن است عملکرد CTX در کانال های سدیم و یا پتاسیم را کاهش دهد (۴۲).

در مقابل، برخی مطالعات بر روی حیوانات آزمایشگاهی مسموم شده با سیگواتوکسین نیز نشان دادند که مانیتول موجب برگشت آثار مرتبط با سیگواتوکسین نمی گردند (۱۴).

با وجود عدم کارآزمایی های کنترل شده بالینی، به نظر می رسد که برخی از داروهایی که برای درمان تظاهرات مزمن و سایر علائم مرتبط با سیگواترا مورد استفاده قرار گرفته اند که برخی مؤثر واقع شده اند. گزارش ها نشان داده اند که توکیناید (۴۳)، نیفیدپین و آمی تریپتیلین (۴۴) با نشانه های سیگواترا سودمند به نظر می رسند. همچنین تصور می گردد که بهبود علائم با مصرف آمی تریپتیلین از طریق مدولاسیون کانال Na^+ باشد (۴۴).

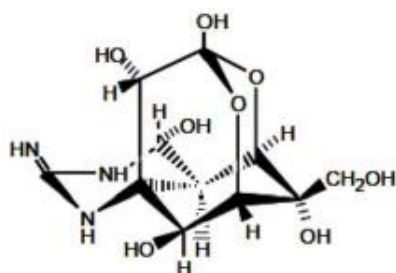
فلوکستین برای درمان خستگی مزمن (۴۵) استفاده شده است؛ آمی تریپتیلین برای پارستزی، خارش و سردرد (۴۶) و پاراستامول (استامینوفن) و نیفیدپین برای سردرد (۴۴). گاباپنتین در درمان درد استفاده شده است (۴۷)، اما احتیاط در تجویز داروهای با

نوع ماهی (۳۶)، مصرف کافئین، آجیل (۴۸)، گوشت مرغ و خوک (۱۷)، فعالیت‌های فیزیکی بیش از حد و یا کم آبی (۵۲) می‌تواند موجب تقویت یا عود علائم شود. با وجود فقدان شواهد علمی، منع چنین فعالیت‌ها و استفاده از غذاهایی که موجب بروز عود علائم می‌گردند به مسمومین توصیه می‌شود (۵۱).

مسمومیت تترودوتوکسین (tetrodotoxin)

تترودوتوکسین (TTX) در ابتدا نام خود را از خانواده *Tetraodontidae*، به‌عنوان یک توکسین منحصر به فرد ماهی بادکنکی (puffer fish) گرفت. مسمومیت TTX به‌دلیل مصرف این ماهی از دیرباز شناخته شده است (۵۳ و ۵۴).

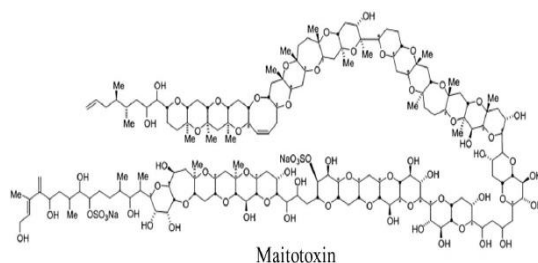
ساختار شیمیایی این توکسین با فرمول ملکولی $(C_{11}H_{17}N_8O_7)$ در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳ ساختار شیمیایی تترودوتوکسین (TTX)

تترودوتوکسین از رایج‌ترین توکسین دریایی طبیعی است که باعث مسمومیت غذایی می‌گردد و یک تهدید جدی برای بهداشت عمومی به‌شمار می‌آید (۵۵). این توکسین، یک سم قوی $(LD_{50, ip, mice} = 8 \mu g/kg)$ ، با وزن مولکولی ۳۱۹ دالتون است که مشتقات مختلف آن علاوه‌بر ماهی بادکنکی، از برخی دیگر از موجودات نظیر قورباغه (۵۶)، گوبی‌ها، قورباغه‌ها، اختاپوس‌ها، گاستروپودها، ستاره دریایی، خرچنگ، کرم‌های صاف و نواری (۵۷) و خرچنگ نعل اسبی (۵۸) جدا شده است.

پتانسیل اعتیادآوری که هیچ کارآزمایی بالینی نیز در بررسی ایمنی و اثر آن‌ها وجود ندارد؛ ضروری است. گفته شده است که از اوپیات‌ها و باریتورات‌ها اجتناب شود؛ چرا که ممکن است به افت فشار خون و دپرسیون تنفسی منجر شود (۱۵). علاوه‌بر این، مصرف اوپیات‌ها ممکن است با یک توکسین خطرناک دریایی طبیعی موجود در ماهی سیگواتوکسیک، موسوم به مایتوتوکسین (maitotoxin) $(LD_{50, ip} = 0.15)$ میکروگرم بر کیلوگرم)، تداخل ایجاد نماید (شکل ۲) (۴۸).



شکل ۲ ساختار شیمیایی مایتوتوکسین (maitotoxin)

همچنین انواع مختلفی از داروهای سنتی و گیاهی جهت درمان سیگواترا مورد استفاده واقع شده است. به‌عنوان مثال، عصاره برگ *argentea Argusia* یا *Davallia* در نیوکالدونیا برای این منظور گزارش شده است (۴۹).

بنا به گزارش‌ها ۶۴ گونه مختلف گیاهی در غرب اقیانوس آرام برای این مورد استفاده می‌گردد (۵۰)، که البته هیچ شواهد علمی از بی‌خطری این گونه درمان‌ها وجود ندارد (۱۵).

پیشگیری از سیگواترا در مناطق بومی مهم است و خوردن برخی از گونه‌های ماهی مورد سیگواترا، باید با احتیاط صورت گیرد (۵۱).

گزارش‌های موردی مکرر به پزشکان و محققان نشان می‌دهد که پس از تجربه CFP، مصرف الکل و هر

نگردد. اما با این وجود، مواردی رخ می‌دهد و موارد مرگ و میر بعد از غذای فوگو به ۵۰ مورد در سال می‌رسد (۷).

مکانیسم سمیت TTX

تترودوتوکسین مهار کننده کانال سدیم و به تبع، مشکلات ناشی از مهار آن می‌باشد (۶۱).

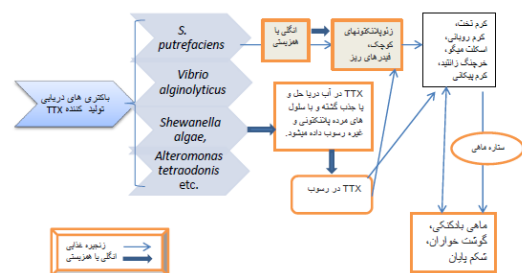
این توکسین موجب بلوکه کردن اتصالات عصبی شده و از طریق فلج ماهیچه‌های تنفسی، موجب مرگ می‌گردد. TTX در غلظت‌های بسیار کم در قلب به‌عنوان بلاک کننده اختصاصی جریان کانال سدیمی تیپ عصبی، موجب طولانی شدن دوره قلبی در هر دو گره سینوسی-دهلیزی و دهلیزی-بطنی شده که این نیز احتمالاً به دلیل دانسیته بالای جریان کانال سدیمی تیپ عصبی در گره دهلیزی-بطنی است که اثر آن بر گره دهلیزی-بطنی به مراتب، بیش از گره سینوسی-دهلیزی است (۶۲).

آثار بالینی

شروع اثرات بالینی در عرض ۱ تا ۲ ساعت و در موارد مسمومیت شدیدتر نیز سریع‌تر رخ می‌دهد. تظاهرات عصبی شامل بی‌حسی اطراف دهان و احساس خارش در عضلات، بی‌حسی اندام دیستال و احساس بی‌حسی عضلات، عدم تعادل، سرگیجه و ضعف عضلانی است. تهوع معمولاً وجود دارد، اما استفراغ کمتر شایع است. در موارد شدیدتر، فلج عضلات تنفسی، کما و سمیت قلبی و عروقی (افت فشار خون و آریتمی‌ها) وجود دارد (۶۱). زمانی فوکودا و تانی (Fukuda and Tani) یک سیستم درجه‌بندی بالینی برای مسمومیت با TTX ارائه نمودند (۶۳). این طبقه‌بندی بر اساس نشانه‌ها و مراحل پیشرفت بالینی بر چهار درجه استوار است و هنوز هم ارزش بالینی دارد (جدول ۴) (۵۳، ۵۸ و ۵۹).

توان کشندگی این توکسین ۶۰۰۰-۵۰۰۰ واحد موش بر میلی‌گرم (MU/mg) است. ۱ MU (واحد موش) به مقداری از توکسین که برای کشتن یک موش نر ۲۰ گرمی در ۳۰ دقیقه پس از تجویز IP مورد نیاز است) گفته می‌شود. حداقل دوز کشندگی برای انسان حدود ۱۰۰۰۰ MU ۲ میلی‌گرم تخمین زده شده است (۵۳). در حال حاضر کاملاً روشن گردیده است که TTX در ماهی پف کننده قابل سنتز نیست (۵۹).

تصور می‌شود که ماهی بادکنکی از طریق مراحل مختلف زنجیره غذایی، با نقطه شروع تولید TTX توسط باکتری‌های دریایی به تجمع TTX می‌پردازد (۵۵، ۶۰ و ۶۱).



شکل ۴) مکانیسم پیشنهادی تشکیل و تجمع TTX در جانوران دریایی از طریق مراحل مختلف زنجیره غذایی (۵۳).

بنابراین، حتی ماهی‌های بادکنکی که رژیم‌های غذایی آن‌ها بدون TTX است، غیر سمی تلقی می‌شوند (۶۰ و ۶۱). ماهی بادکنکی دریایی معمولاً حاوی مقدار زیادی از TTX در پوست و احشاء خود، به خصوص کبد و تخمدان است (۵۳ و ۵۵).

تترودوتوکسیکاسیون انسان با خوردن این غذاهای حاوی TTX که به آسانی از دستگاه گوارش نیز جذب می‌شود، رخ می‌دهد (۵۵). آشپزهای ژاپنی، بعد از دورانی طولانی شاگردی، گواهینامه‌ی تهیه این ماهی را دریافت می‌نمایند تا غذایی از ماهی آماده کنند که مقداری کافی سم داشته باشد تا تولید اثر کرختی در دهان کند، اما موجب مرگ

جدول ۴) نشانه‌ها و مراحل پیشرفت بالینی در مسمومیت تترودوتوکسین مطابق (۵۳ و ۵۹)

علائم مسمومیت TTX	
درجه	علائم مشخصه
اول	علائم عصبی عضلانی (پارستزی لب‌ها، زبان و گلو، اختلالات طعم و مزه، گیجی، سردرد، تعریق، تنگی مردمک)؛ علائم گوارشی (ترشح بزاق، ترشح شدید بزاق، تهوع، استفراغ، استفراغ شدید، هئاتمز، تحرک شدید، اسهال، درد شکم)
دوم	سایر نشانه‌های عصبی عضلانی (پارستزی عمومی پیشرفته، فلج انگشت و سایر اندام‌ها، دیلاتاسیون مردمک چشم، تغییرات رفلکس)
سوم	افزایش علائم عصبی عضلانی (اختلال تکلم، اختلال بلع، آفاژی، بی‌حالی، ناهماهنگی، عدم تعادل، حس شناوری، فلج اعصاب کرانیال، فاسیکولاسیون عضلانی)؛ علائم قلبی عروقی / ریوی (افت فشار خون و یا پرفشاری خون، بلاک وازوموتور، آریتمی‌های قلبی از جمله برادی کاردی سینوسی، آسیستول، تاقیکاردی و ناهنجاری‌های هدایتی گره دهلیزی - بطنی، سیانوز، رنگ پریدگی، تنگی نفس)؛ علائم پوستی (درماتیت اکسفولیاتیو، بنبشی، تاول)
چهارم	نارسایی تنفسی، اختلال در قوای ذهنی، افت فشار خون شدید، تشنج، از دست دادن تاندون عمیق و رفلکس نخاعی

درمان

درمان به طور کامل حمایتی است (۵۹). درمان اصلی، مشاهده دقیق و ارزیابی سریال عصبی با نظارت بر پیشرفت اثرات بالینی است به‌طوری که نارسایی تنفسی و یا عوارض قلبی به‌طور مناسبی تحت درمان باشد (۱۱). ممکن است تهویه مکانیکی برای تأمین اکسیژن نیاز باشد، نرمال سالین برای متعادل نمودن حجم داخل عروقی تزریق می‌گردد، همچنین ممکن است به روش‌های تخلیه معده، استفاده از زغال فعال، آتروپینزاسیون، یا درمان با دوپامین نیاز باشد. مهار کننده‌های کولین استراز نیز پیشنهاد شده‌اند، اما به اندازه کافی مورد آزمون قرار نگرفته‌اند (۶۶).

در مسمومیت شدید، دوز ۱/۵-۰/۵ میلی‌گرم بولوس IV آتروپین برای درمان اثرات قلبی، تکرار بعد از ۱۵ دقیقه در صورت لزوم (کودکان: ۰/۵-۰/۲ میلی‌گرم بر کیلوگرم بولوس IV، تکرار پس از ۵ دقیقه در صورت لزوم تا حداکثر ۱ میلی‌گرم) می‌باشد (۶۷). ورود به بخش مراقبت‌های ویژه در موارد متوسط تا شدید برای جلوگیری از عوارض ناشی از کما، نارسایی تنفسی، و اثرات قلبی عروقی ضروری است (۶۷). استفاده از نتوستیگمین در درمان مسمومیت نیز پیشنهاد

تترودوتوکسیکاسیون می‌تواند به سرعت منجر به مرگ گردد و پادزهر خاصی نیز برای آن وجود ندارد. مرگ ممکن است در کمتر از ۱۷ دقیقه پس از مصرف توکسین رخ دهد. فرض بر این است که حدود دوز مرگبار برای انسان ۲-۱ میلی‌گرم باشد (۶۴).

روش‌های تشخیص و آزمایش

تشخیص مسمومیت تترودوتوکسین بالینی است. آنالیزهای ماهی خورده نشده، ادرار یا سرم بیمار برای تأیید تشخیص تترودوتوکسین یاری دهنده است. کروماتوگرافی مایع با عملکرد بالا (HPLC) اجازه می‌دهد تا مقادیر ناچیزی از تترودوتوکسین در ادرار و سرم قابل تشخیص باشد (۶۵).

فارماکوکینتیک تترودوتوکسین در انسان‌ها به طور کامل درک نشده است، اما در مواردی که ادرار و سرم برای تشخیص تترودوتوکسین مورد آزمایش قرار گرفتند نشان دادند که غلظت سرمی تترودوتوکسین به سرعت کاهش می‌یابد و ممکن است پس از ۲۴-۱۲ ساعت غیرقابل تشخیص باشد. با این حال، مقادیر ناچیز تترودوتوکسین را می‌توان در ادرار تا ۵ روز پس از مصرف و برآورد آن در ادرار ۲۴ در ساعته تشخیص داد (۶۵).

((PTX)) پکتوتوکسین (okadaic acid(OA))،
 ((DA)) دو موئیک اسید (pectenotoxin)،
 ((cyclic imine)) و ایمین‌های حلقوی (domoic acid)
 تقسیم شده‌اند. همچنین می‌توان دو گروه دیگر پالیتوکسین
 ((palytoxins (PlTX)) و سیگواتوکسین ((ciguatoxins
 ((CTX)) را مربوط به این طبقه‌بندی منظور داشت
 (۶۹ و ۷۰).

مسمومیت حلزون صدف‌دار فلج دهنده اغلب پس از
 مصرف صدف‌های دو کفه‌ای (ماسل‌ها، اویسترها و
 کلام‌ها) حاوی توکسین، رخ می‌دهد (۲۹).

STX و مشتقات آن باعث مسمومیت صدف فلج‌کننده
 ((PSP)) و DA مسبب مسمومیت صدف فراموشی‌دهنده
 ((ASP)) هستند. مسمومیت صدفی اسهال‌زا ((DSP)) با
 توکسین OA ایجاد می‌شود. همچنین سموم گروه AZA
 عامل مسمومیت صدفی آزا اسپیراسید ((AZP)) هستند (۶۹).
 از این چهار سندرم عمده توکسیک، سه مورد آن‌ها عصبی
 و یک مورد آن ایجاد کننده اسهال شدید است (۱۱).

شده است، با این حال هیچ مطالعه بالینی برای تأیید اثر
 نئوستیگمین وجود ندارد (۶۷). اگر بیمار، قبل از ایست
 تنفسی با آگاهی به بخش اورژانس برسد و نیز در ۲۴
 ساعت اول زنده بماند، پیش آگهی خوب است. اساساً،
 تشخیص اولیه و درمان بالینی به کاهش میزان مرگ و میر
 کمک می‌نماید. علائم معمولاً در طی یک دوره ۲۴
 ساعته تا پنج روز رفع می‌گردد (۶۸).

مسمومیت صدفی فلج‌دهنده (PSP) (paralytic shellfish poisoning)

بیوتوکسین‌های دریایی، که معمولاً به‌عنوان توکسین‌های
 حلزون صدف‌دار شناخته شده‌اند، عمدتاً توسط جلبک‌ها
 و یا فیتوپلانکتون تولید می‌گردند. بر اساس ساختار
 شیمیایی آن‌ها، این توکسین‌ها را به هشت گروه
 بروتوکسین (brevetoxin)، ساکسی توکسین
 ((saxitoxin (STX))، آزا اسپیراسید
 ((azaspiracid (AZA), LD_{۵۰ ip, mice} = ۲۰۰ µg/kg)
 یسوتوکسین (LD_{۵۰ ip, mice} = ۳۸۰-۴۶۰ µg/kg)
 ((yessotoxin (YTX)، اوکادائیک اسید

جدول ۵) انواع مسمومیت‌های صدفی، منشأ توکسین، توکسین‌های عمده و منبع غذایی محتمل، مطابق مطالعات (۷۱ و ۷۲)

منبع غذایی	توکسین‌های اصلی	منشأ توکسین	مسمومیت
کلام‌ها و ماسل‌ها اویسترها، کوکلس‌ها، گاستروپودها، اسکالوپ‌ها، ولکس‌ها، لابسترها، کوپپودها، خرچنگ، ماهی	ساکسی توکسین (STXs)	<i>Alexandrium catenella</i> , <i>A. coarctatum</i> , <i>A. fundyense</i> , <i>A. fraterculus</i> , <i>A. leei</i> , <i>A.</i> <i>minutum</i> , <i>A. tamarense</i> , <i>A. andersonii</i> , <i>A. ostenfeldii</i> , <i>A. tamiyavanichii</i> , <i>Gymnodinium catenatum</i> , <i>Pyrodinium</i> <i>bahamense</i> var. <i>compressum</i> <i>Dinophysis acuta</i> , <i>D. caudate</i> , <i>D. fortii</i> , <i>D. norvegica</i> , <i>D. mitra</i> , <i>D. rotundata</i> , <i>D.</i> <i>sacculus</i> , <i>D. fortii</i> , <i>D. miles</i> , <i>D.</i> <i>norvegica</i> , <i>tripos</i> , <i>Prorocentrum lima</i> , <i>P. arenarium</i> , <i>P. belizeanum</i> , <i>P.</i> <i>cassubicum</i> , <i>P. concavum</i> , <i>P. faustiae</i> , <i>P. hoffmannianum</i> , <i>P. maculosum</i> , <i>Protoceratium reticulatum</i> , <i>Coolia</i> sp., <i>Protoperdium oceanicum</i> , <i>P. pellucidum</i> , <i>Phalacroma rotundatum</i>	مسمومیت صدفی پارالیتیک (PSP)
ماسل‌ها، اسکالوپ‌ها، کلام‌ها و گاستروپودها	اوکادائیک اسید (OA)، دینوفیزیریس توکسین‌ها (DTXs)، یسوتوکسین (YTXs)، و پکتوتوکسین (PTXs)		مسمومیت صدفی اسهال‌زا (DSP)
کوکلس‌ها، ولکس‌ها، ماسل، کلام‌ها و اویسترها	بروتوکسین (PbTx)	<i>Gymnodinium breve</i>	مسمومیت صدفی نورو توکسیک (NSP)
حلزون صدف‌دار	دوموئیک اسید (DA)	<i>Nitzschia</i> spp.	مسمومیت صدفی فراموشی‌دهنده (ASP)
ماسل و اویستر	آزا اسپیراسید (AZAs)	<i>Protoperdinium crassipes</i>	مسمومیت صدفی آزا اسپیراسید (AZP)

در کمیسیون مقررات (EC) شماره ۲۰۷۴/۲۰۰۵ اندازه‌گیری میزان توکسین در مسمومیت پارالیتیک (PSP) این جانوران تشریح گردیده است (۷۳). همین کمیسیون، با شماره ۸۵۳/۲۰۰۴ مشخص نموده است که حد توکسین در صدف، جهت مصرف نباید از ۸۰۰ میکروگرم در هر کیلوگرم تجاوز کند (۶۹ و ۷۴).

با توجه به میزان شیوع جهانی، توکسین PSP جدی‌ترین خطر را برای بهداشت عمومی دارند (۷۵) به‌طور متوسط، مرگ و میر در سراسر جهان، حدود ۶ درصد اتفاق می‌افتد، هر چند این میزان در کشورهای در حال توسعه بیشتر است (۱۱). اگر چه عفونت‌های ویروسی و باکتریایی ناشی از مصرف صدف‌ها شایع‌تر است، مسمومیت ناشی از توکسین آن‌ها می‌تواند عوارض عصبی شدید و تهدید کننده حیات را موجب شود. مسمومیت ناشی از صدف توکسیک، حدود ۱/۱ درصد مسمومیت‌های منتقله از غذا و ۷/۴ درصد از مسمومیت‌های دریایی در ایالات متحده آمریکا را تشکیل می‌دهد (۱۱). توکسین‌های PSP، دارای یک اسکلت ۳ و ۴-تری‌آکیل‌تتراهیدروپورینی هستند (۷۶).

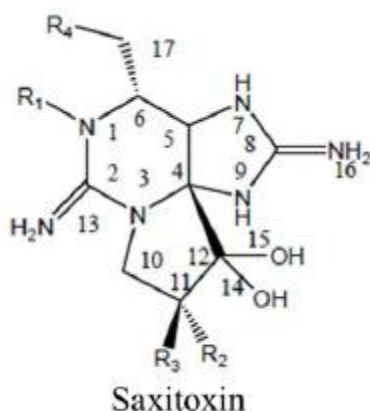
مسمومیت صدفی پارالیتیک با شباهت تقریباً غیرقابل تشخیصی با مسمومیت تترودوتوکسین، توسط ساکسیتوکسین (saxitoxin)، گونیوتوکسین (gonyautoxins) و مشتقات آن‌ها ایجاد می‌شود (۱۱). اثرات تهییج‌کنندگی عصبی در مسمومیت با این صدف‌ها توسط برویتوکسین‌ها (brevetoxins) ایجاد می‌شود (۱۱).

گونه‌های خاصی از ریزجلبک‌های دینوفلاژت ویژه دریایی از جنس‌های *Alexandrium* (که قبلاً *Gonyaulax* نامیده می‌شد)، *Gymnodinium* و *Pyrodinium* از منابع عمده توکسین می‌باشند (۲۹، ۷۲ و ۷۷).

پس از مصرف دینوفلاژت‌های سمی، توکسین توسط صدف‌های فیلتر کننده، تجمع پیدا می‌کند و می‌تواند موجب مشکلات جدی و یا حتی مرگ در انسان گردد (۷۸).

تولید STX توسط این گونه جلبک‌ها در مناطق با آب و هوای گرمسیری و معتدل سراسر جهان نظیر اروپا، در کنار سواحل اقیانوس اطلس و دریای شمال از نروژ تا پرتغال و در دریای مدیترانه و نقاط دیگر جهان نظیر ترکیه و مصر، در سواحل شمال شرق کانادا و ایالات متحده آمریکا، خلیج مکزیک، سواحل اقیانوس آرام، امریکای مرکزی، شرق آسیا، استرالیا و نیوزیلند رخ می‌دهد (۶۹).

ساکسیتوکسین برای اولین بار از butter clam گونه آلاسکایی *Saxidomus giganteus* جدا شد و از این رو نام STX به آن داده شد (شکل ۵) (۶۹).

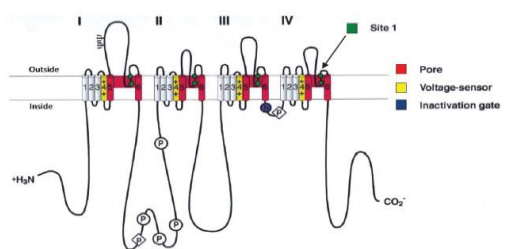


شکل ۵) ساختار شیمیایی آکالوئید ساکسیتوکسین

شرایط آب و هوایی و زیست محیطی از قبیل تغییرات در شوری و درجه حرارت آب، مواد مغذی و نور خورشید، نسبت نیتروژن: فسفات، تأثیر قابل توجهی در محتوا و تولید سم و رشد جلبک‌ها دارد. محدودیت نیتروژن موجب کاهش رشد جمعیت جلبک‌ها و تولید سم می‌گردد؛ در حالی که محدودیت فسفر موجب کاهش

کانال‌های سدیم وابسته به ولتاژ (۶۹، ۸۳ و ۸۴)، با مهار فیبرهای عضلانی اسکلتی و قلبی، موجب اختلالات در اعصاب حسی حرکتی و فلج تنفسی منتج به مرگ منجر گردند (۷۶).

توکسین‌های گروه STX با تداخل در جایگاه ۱ زیر واحد آلفا (α_1 -subunit) کانال سدیم وابسته ولتاژ، اثر خود را اعمال می‌نمایند (۸۵).



شکل ۶ مکانیسم پیشنهادی سمیت STX مبنی بر مسدود نمودن کانال‌های سدیمی وابسته به ولتاژ مطابق (۸۳).

به دلیل شباهت قابل توجه میان کانال‌های کاتیونی مختلف، گزارش‌هایی از عملکرد توکسین بر روی کانال‌های کلسیمی و پتاسیمی، یک آرایه وسیعی از اثرات بیولوژیکی مرتبط با آن‌ها نیز به ثبت رسیده است (۸۶ و ۸۷)، هر چند که دوز مؤثر بر این کانال‌ها (10^{-6} – 10^{-5} M) به مراتب، بیشتر از کانال‌های سدیم وابسته به ولتاژ (10^{-10} – 10^{-8} M) است (۶۹).

همچنین پیوند STX با پروتئین‌های محلول نظیر ساکسیفیلین (saxiphilin) نیز گزارش گردیده است (۸۸). با همه این تفسیرها، پیوند STX با کانال‌های سدیمی وابسته به ولتاژ (voltage-gated sodium channel)، مکانیسم اصلی سمیت آن‌ها ذکر گردیده شده است.

اثرات بالینی

ساکسیتوکسین (STX) از گروه بیوتوکسین‌های دریایی مسبب مسمومیت صدفی پارالیتیک (PSP) در انسان است و اصلی‌ترین آثار سوء آن‌ها بر گونه‌های مختلف جانوران و انسان سمیت عصبی به‌صورت

رشد جمعیت، اما افزایش تولید سم می‌گردد (۷۹).

میزان سمیت دینوفلاژت با توجه به نوع ترکیب آنالوگ STX، گونه جلبک‌ها و یا منطقه وقوع متفاوت است (۸۰).

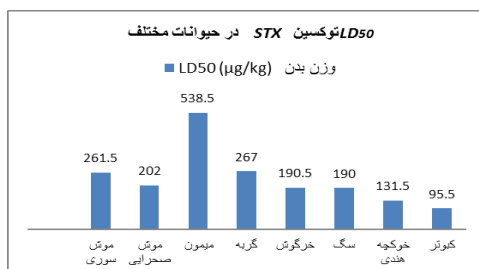
به‌طور عمده STX توسط دینوفلاژت‌های متعلق به جنس *Alexandrium* تولید شده است. همچنین ممکن است در برخی از سیانوباکتری‌های آب‌های شیرین و لب شور نیز رخ دهد. بیش از ۳۰ آنالوگ STX، به‌طور عمده از دینوفلاژت‌های دریایی و حلزون صدف‌دار که از جلبک‌های سمی تغذیه می‌نمایند، شناسایی شده‌اند (۸۱).

روش تشخیص مسمومیت صدفی پارالیتیک (PSP)

برای تشخیص این سموم از تمام بدن و یا قسمت‌های خوراکی صدف باید مطابق با تست‌های بیولوژیکی و یا هر روش شناخته شده بین‌المللی دیگر نظیر روش لارنس استفاده گردد (۸۲). روش‌های آنالیز متعدد منتشر شده دیگری برای تشخیص توکسین‌های گروه STX در پلانکتون و صدف وجود دارد. روش‌های بیوشیمیایی و شیمیایی آنالیتیک مانند روش کروماتوگرافی مایع با دتکتور فلورسانس (HPLC-FD) نیز در دسترس هستند. روش‌های دیگری نظیر روش‌های LC/MS-MS، سنسور مبتنی بر آنتی‌بادی و سنجش گیرنده هم معرفی گردیده‌اند، هر چند که هیچ‌کدام از این روش‌ها با توجه به پروتکل‌های بین‌المللی پذیرفته شده در آزمایشگاه، اعتبارسنجی نشده‌اند (۶۹).

مکانیسم سمیت STX

ترکیبات تتراهیدروپورینی ساکسیتوکسین و مشتقات آن از جمله گونیاتوکسین، محلول در آب و پایدار در مقابل حرارت بوده و از قوی‌ترین نوروتوکسین‌های شناخته شده هستند ($LD_{50, ip, mice} = 3-10 \mu g/kg$) که به سرعت می‌توانند انتقال تکانه‌های عصبی را با مسدود کردن



شکل ۷) میزان میانگین LD₅₀ خوراکی بر حسب میکروگرم بر کیلوگرم (µg/kg) وزن بدن، مربوط به توکسین STX در حیوانات مختلف آزمایشگاهی (۶۹ و ۹۳).

مسمومیت با این توکسین، موجب پارالیزی پیش رونده ماهیچه تنفسی، قطع تنفس و نهایتاً مرگ می‌گردد. دوزهای i.v حدود ۲-۱ میکروگرم بر کیلوگرم وزن بدن، موجب کاهش فعالیت تنفسی در سگ و خرگوش و دوزهای ۵-۴ میکروگرم بر کیلوگرم موجب دپرسیون قوی تنفسی و مرگ در صورت عدم انجام تنفس مصنوعی، در این جانوران گردیده است (۹۳).

دوزهای i.v بالاتر از ۱ گرم بر کیلوگرم (g/kg) وزن بدن، موجب اثرات قلبی عروقی در حیوانات آزمایشگاهی گردیده است. این آثار، در دوزهای پایین، بندرت در انسان اتفاق می‌افتد. دوز ویریدی ۱-۲ گرم STX در حیوانات آزمایشگاهی (گربه، خرگوش) موجب ضعف سریع انقباضات عضلانی و کاهش بالقوه عمل دامنه اعصاب محیطی می‌گردند. این توکسین‌ها، نورون‌های حسی و موتور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علائم بی‌حسی و از دست دادن حس عمقی ناشی از آن‌ها را می‌توان از اثرشان بر سیستم حسی توجیه نمود. بروز احساس خارش در عضلات و احساس سبکی در انسان، اغلب به یک اثر مرکزی این سموم نسبت داده شده است، ولی اثرات آنها بر سیستم عصبی محیطی ممکن است دلیل این علائم باشد و در مورد وجود اثر این توکسین‌ها بر روی سیستم اعصاب مرکزی ابهاماتی وجود دارد (۹۳).

تهییج عصبی (neurotoxicity) آن‌هاست (۶۹ و ۸۳). از نظر توکسیکوکینتیک، به نظر می‌رسد که توکسین، از طریق غشاء مخاطی باکال (۸۹) و در زمانی کوتاه به سرعت جذب می‌شود و از طریق خون به ارگان‌های دیگر از جمله مغز انسان توزیع می‌یابد (۹۰). تشخیص غلظت بالای توکسین در ادرار بیماران نشان می‌دهد که ادرار یک مسیر اولیه دفع سم در انسان است. در مسمومین آلاسکایی، سطح STX در مسمومیت حاد، توسط آنالیز HPLC در ادرار از ۶۵-۳۷۲ نانومولار، در مقایسه سطح سرمی ۲/۸-۴۷ نانومولار در آنان تشخیص داده شد (۹۱)، در مطالعه انجام شده توسط گارسیا (Garcia) و همکاران (۹۰)، دو ماهی‌گیر مسموم که در عرض ۳-۴ ساعت فوت کردند میزان STX در نمونه ادرار، حدود ۱/۸ میلی‌گرم بر لیتر (mg/l) بود، در حالی که در صفرا ۱/۵۳ میلی‌گرم بر لیتر بود که ادرار مسیر اصلی دفع گزارش گردید که مطابق با آزمون‌های حیوانی از طریق جذب‌های خوراکی یا تزریقی بود (۸۹ و ۹۲). میزان (LD_{50,ip}) آن‌ها حدود ۱۰ گرم بر کیلوگرم وزن بدن، یعنی حدود ۰/۲ گرم برای یک موش ۲۰ گرمی می‌باشد. البته میزان LD₅₀ تعیین شده، وابسته به راه‌های تجویز (جدول ۶).

جدول ۶) میزان سمیت STX در موش سوری بر

حسب میکروگرم بر کیلوگرم (µg/kg) وزن بدن، از

طریق راه‌های تجویز متفاوت (۶۹).

LD ₅₀ (µg/kg BW)	راه در معرض قرارگیری
260-263	خوراکی (oral)
4/2-4/3	داخل ویریدی (iv)
9/0-11/6	زیر پوستی (ip)

یا حیوان آزمایشگاهی انتخاب شده در مطالعات دارد (شکل ۷) (۶۹).

سندروم اسكومبروید

مسمومیت اسكومبروید که مسمومیت غذایی هیستامینی نیز نامیده می شود (۹۵)، شکلی از ایکتیوسارکوتوکسیسم (ichthyosarcotoxism) ناشی از مصرف ماهی فاسد به دلیل شرایط نامناسب نگهداری و تغییرات اتولیتیک می باشد (۹۶ و ۹۷).

مسمومیت اسكومبروید یا مسمومیت با هیستامین ماهی، یک نوع مسمومیت غذایی با علائم شبیه به آلرژی غذاهای دریایی است که نتیجه مصرف ماهی اسكومبروید می باشد (۹۸). واژه "scombroid" از ماهی گونه scombridae نظیر ماهی تن و ماهی خالمخالی و بونیتو گرفته شده است که دارای سطوح بالای هیستیدین آزاد در بافت های عضلانی خود که سرچشمه حوادث ناشی از این نوع مسمومیت می باشند (۹۵، ۹۷ و ۹۹).

هر چند که غیر از ماهی های این گونه، گونه های دیگری نظیر کورینا (Coryphaena)، ساردینلا (Sardinella)، ماکاریا (Makaira)، کلویا (Clupea)، انگراولیس (Engraulis)، پوماتوموست (Pomatomus) (۱۰۰)، سریولا (Seriola) (۱۰۱) و چند گونه دیگر نیز در مسمومیت اسكومبروید نقش داشته که غنی از هیستیدین آزاد هستند (۱۰۲). شیوع این مسمومیت ها با سطوح هیستامین بالا در آنها، در ارتباط است (۱۰۳ و ۱۰۴).

مکانسیم مسمومیت

مسمومیت اسكومبروید شایع ترین نوع مسمومیت غذایی ماهی پس از مسمومیت سیگواترا است (۱۰۳). سمیت مشاهده شده، به علت آزاد شدن هیستامین است. مسمومیت اسكومبروید که مسمومیت با هیستامین است، بدون عارضه نیست (۱۰۴). اگر ماهی صید شده در درجه حرارت مناسب و در

طور کلی، علائم مسمومیت PSP در انسان از احساس سوزش خفیف یا کرختی اطراف لب ها تا فلج تنفسی منجر به مرگ متفاوت است (۷۲). در یک درجه بندی، آن را به درجات خفیف (mild)، نسبتاً شدید (moderately severe) و بسیار شدید (extremely severe) طبقه بندی نموده اند. اثرات خفیف، شامل احساس سوزن سوزن شدن یا کرختی اطراف لب و به تدریج، گسترش آن به صورت و گردن، احساس خار در نوک انگشتان دست و پا، سردرد، سرگیجه و حالت تهوع و نشانه های نسبتاً شدید شامل تکلم در هم و گسیخته، پیشرفت احساس خار در دست و پا، خشکی و عدم هماهنگی دست و پا، ضعف عمومی و احساس سبکی و نهایتاً مشکلات تنفسی خفیف و پالس سریع به علاوه کمر درد و در موارد بسیار شدید، علائم شامل فلج عضلانی، اشکال در تنفس تلفظ (pronounced respiratory difficulty) و احساس خفگی می باشند (۷۷ و ۹۴).

در بیماران مبتلا به مسمومیت متوسط، اثرات پس از ۲-۳ روز حل و فصل می گردند، اما در موارد شدیدتر، ضعف ممکن است تا یک هفته باقی بماند. در موارد مرگ و میر، مرگ به طور معمول به سرعت و در عرض ۱۲ ساعت رخ می دهد (۱۶).

درمان

درمان مسمومیت فلج صدفی حمایتی بوده و شبیه به درمان مسمومیت با تترودوتوکسین است. آنتی بادی مربوط به ساکسیتوکسین، تهیه و فقط در مدل های حیوانی مورد آزمایش قرار گرفته اند و در حال حاضر برای درمان انسانی در دسترس نیستند (۱۱). مسمومین PSP که تا مدت ۲۴ ساعت، با یا بدون دخالت مکانیکی زنده بمانند، احتمال بهبودی کامل و بالایی دارند (۶۹).

درمان مسمومیت اسکومبروید

درمان کم آبی ناشی از استفراغ یا اسهال توسط مایعات و اکسیژن در موارد ناراحتی‌های تنفسی ضروری به‌نظر می‌رسد (۱۰۳ و ۱۱۰). اکثر بیماران با آنتی‌هیستامین‌ها با نتیجه خوبی درمان می‌گردند. آنتی‌هیستامین‌های کلاسیک مهار کننده گیرنده H_1 ، مثل پرومتازین و یا دیفن هیدرامین داروی انتخابی می‌باشند. تزریق داخل وریدی سایمتیدین (مهار کننده گیرنده H_2) موجب تسکین سریع علائم گوارشی گردیده است (۱۱۱).

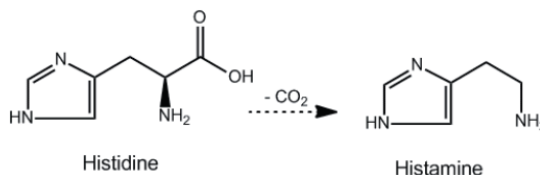
در بیمار آتوپیک، که در آن برونکواسپاسم و یا سایر واکنش‌های شدید هیستامین ممکن است رخ دهد، استفاده از آگونیست β_1 -آدرنرژیک‌هایی نظیر تئوفیلین و حتی کورتیکواستروئیدها باید در نظر گرفته شود (۹۷).

این مسمومیت باید با آلرژی غذایی، مسمومیت غذایی باکتریایی، واکنش دی سولفیرام، سندرم رستوران چینی، مسمومیت سیگواتوکسین، سندرم کارسینوئید، فئوکروموسیتوم و سندرم زولینجرالیسون مورد تشخیص افتراقی قرار گیرد (۹۷). مسمومیت اسکومبروید، یک بیماری خود محدود شونده و نسبتاً خفیف است، اما می‌تواند یک خطر جدی برای مسمومین مبتلا به بیماری‌های حساسیتی، سالمندان، افراد مبتلا به بیماری قلبی و نیز بیماران تحت درمان با ایزونیازید تلقی گردد (۹۷ و ۱۱۰).

تشخیص

یکی از اولین روش‌های رسمی برای تشخیص هیستامین، روش تأییدی بیولوژیک، بر اساس انقباض ایلئوم خوکچه هندی بود. متد LC-MS نیز یک متد برای تشخیص هیستامین در نمونه معرفی شده است (۱۰۵، ۱۱۲ و ۱۱۳).

یخچال نگهداری نگردد، "هیستیدین" از ماهی منتشر می‌گردد. هیستیدین به‌طور طبیعی در بسیاری از گونه‌های ماهی رخ می‌دهد (۱۰۰) و اگر ماهی در یک محیط گرم قرار گیرد، توسط دکربوکسیلاز یا هیستامیناز، هیستیدین تبدیل به هیستامین می‌گردد (شکل ۸) (۱۰۵ و ۱۰۶).



شکل ۸) مکانیسم تبدیل هیستیدین به هیستامین توسط آنزیم دکربوکسیلاز

ترکیب کاداورین (Cadaverine) در ماهی‌های سمی فراوان است (۱۰۷). همچنین در بسیاری از ماهی‌هایی که موجب مسمومیت اسکومبروید گردیده‌اند، لیزین نیز به فراوانی یافت شده است (۹۵).

پیشنهاد گردیده است که در اسکومبروتوکسین "Scombrototoxin" ماهی فاسد، ممکن است یک دگرانوله کننده (degranulator) ماست سل وجود داشته باشد (۱۰۸).

علائم مسمومیت اسکومبروید

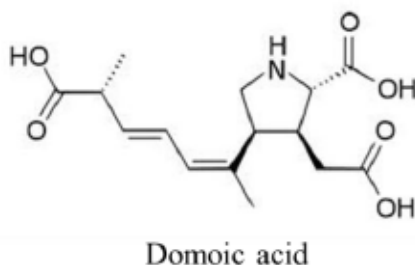
تظاهرات پوستی، به‌خصوص در صورت، گردن و تکیکاردی، سردرد؛ و همچنین علائم و نشانه‌های دستگاه گوارشی از برجسته‌ترین نشانه‌های مطالعات هستند (۹۷ و ۱۰۶). علایمی نظیر اسهال، اغلب آبکی، سردرد به صورت ضرباندار، تهوع، گرفتگی عضلات شکم و دردهای شکمی و ناراحتی همراه با استفراغ گاهگاهی، تورم لب‌ها و زبان، با تاول، خارش و تعریق، احساس خارش در عضلات، طعم و مزه غیرطبیعی، تنگی نفس، اغلب یک احساس سوزن سوزن شدن در سراسر دهان، و نیز در زبان و پاها، احساس خارش در گلو، از جمله علایم گزارش شده هستند (۹۷ و ۱۰۹).

گوارشی (درد شکم، تهوع و اسهال) و عوارض عصبی (احساس خارش در عضلات، "برگشت درجه حرارت"، درد عضلانی، سرگیجه و عدم تعادل)، شبیه به سیگواترا مشخص می‌شود.

برخی از علائم دیگر نظیر درد، سوزش رکتوم، سردرد، ضربان قلب نیز گزارش شده‌اند. اثرات بالینی معمولاً ملایم و درمان علامتی و حمایتی است (۱۱).

مسمومیت صدفی فراموشی دهنده یا مسمومیت آنسفالوپاتیک (encephalopathic)

مسمومیت حلزون صدف‌دار فراموشی دهنده یک آنسفالوپاتی توکسیک است که با از دست دادن شدید حافظه و سردرگمی مشخص می‌شود (۱۱). مصرف صدف آلوده به دوموئیک اسید ($LD_{50, ip, mice} = 3600 \mu g/kg$) موجب مسمومیت صدفی فراموشی دهنده می‌گردد (۱۱۶).



شکل ۱۰) ساختار دوموئیک اسید

دوموئیک اسید (شکل ۱۰) یک اسید آمینه تهییج کننده عصبی پایدار حرارت و محلول در آب است که مانند نروترانسمیتر عصبی اسید گلوتامیک عمل می‌کند. میکروسکوپی جلبک جنس *Nitzschia* تولید دوموئیک اسید می‌نماید. به نظر می‌رسد که این توکسین با اینکه محرک قوی تلقی می‌گردد، اما سلول‌ها، آن‌ها را نابود نمی‌کند (۱۱۷-۱۱۹).

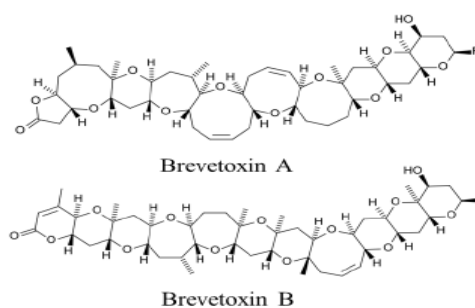
علائم دستگاه گوارش با متوسط زمان شروع ۵/۵ ساعت، شامل استفراغ، دردهای ماهیچه‌ای شکمی و اسهال

دیگر سندروم‌های دریایی نورو توکسیک

مسمومیت‌های نورو توکسیک دیگری نیز وجود دارند که موارد آن‌ها به مراتب کمتر از موارد یاد شده می‌باشند.

مسمومیت صدفی نورو توکسیک

توزیع مسمومیت صدفی نورو توکسیک، محدودتر از مسمومیت صدفی پارالیتیک است (۱۱۴). مسمومیت‌های انسانی، تنها در سواحل غربی فلوریدا، کارولینای شمالی و نیوزیلند گزارش شده است (۱۱). این مسمومیت از نظر بالینی شبیه سیگواترا است، اما به جای فلج شل، علائم تهییج کنندگی عصبی (neuroexcitation) دیده می‌شود (۱۱). تغذیه فیلتری صدف از دینوفلاژلات دریایی *Gymnodinium brevis* موجب مسمومیت صدفی نورو توکسیک می‌گردد که حاوی برویتوکسین‌ها (brevetoxins) هستند (۱۱).



شکل ۹) ساختار برویتوکسین A و برویتوکسین B

برویتوکسین‌ها ($LD_{50, ip, mice} = 170 \mu g/kg$) توکسین‌های پلی‌اتری محلول در چربی هستند (۱۱۵) که مشابه سیگواتوکسین‌ها از طریق کانال‌های سدیمی حساس به ولتاژ سبب افزایش ورود سدیم به سلول و دیپولاریزاسیون سلول‌های عصبی عمل می‌نماید.

سمیت خوراکی و تزریقی این توکسین‌های دارای اثر تهییج کنندگی عصبی در غلظت‌های نانو و پیکومولار در مدل‌های حیوانی رخ می‌دهد (۱۱).

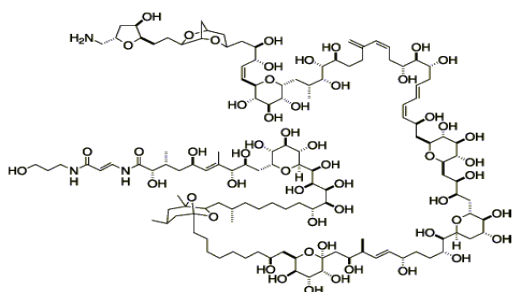
مسمومیت صدفی نورو توکسیک، ترکیبی از اثرات

پالیتوکسین (palytoxin)

پالیتوکسین (PTX) یک توکسین دریایی است که در اصل از زوانتیدهای جنس پالیتوا (Palythoa) جدا شده است و به همین دلیل این نام را به خود گرفته است و یکی از قوی‌ترین توکسین‌ها است ($LD_{50, ip, mice} = 0.45 \mu g/kg$) و از طولانی‌ترین زنجیره پیوسته‌ای از اتم‌های کربن موجود در یک محصول طبیعی شناخته شده است (۱۱ و ۱۲۰).

اما در حال حاضر در ارگانسیم‌های دریایی دیگر نظیر دینوفلاژلات‌ها و از آن به ماهی دیگر نیز یافت شده است. این ترکیب با وزن مولکولی حدود ۲۶۸۰، یکی از بزرگ‌ترین محصولات طبیعی غیر پلیمری تاکنون شناخته شده است. ساختار پیچیده آن روشن شده و حتی سنتز آن نیز انجام شده است (۱۲۱).

این مولکول، $C_{129}H_{223}N_3O_{54}$ است که ۱۱۵ کربن از ۱۲۹ کربن آن در یک زنجیره، به صورت پیوسته است (شکل ۱۱) (۱۱).



PALYTOXIN

شکل ۱۱) ساختار پالیتوکسین، یک ترکیب آلی پلی‌کتیدی با یک زنجیره طولانی پیوسته با فرمول $C_{129}H_{223}N_3O_{54}$.

پالیتوکسین، موجب دپلاریزه شدن برگشت‌ناپذیر غشاء می‌گردد. این مکانیسم که پالیتوکسین به پمپ $Na^+ - K^+ / ATPase$ متصل می‌شود (۱۲۱) و موجب مهار فعالیت و تبدیل این پمپ به یک کانال می‌گردند، شناخته شده است. پالیتوکسین باعث دپلاریزاسیون، افزایش کلسیم داخل سلولی و اسیدی شدن آن

هستند (۱۱). علائم عصبی غیر معمولی نظیر سردرد، گیجی، عدم تعلق، از دست دادن حافظه کوتاه مدت، حرکات چشم نظم، موتیسم، تشنج، میوکلونوس و کما بعد از ۴۸ ساعت تظاهر می‌یابند. تظاهرات دیگری شامل بی‌ثباتی همودینامیک، آریتمی‌های قلبی، ترشحات شدید تنفسی، از دست دادن حافظه در افراد مسن و مردان، حالت نکروز عصبی کانونی و از دست دادن آمیگدال و هیپوکامپ گزارش گردیده‌اند (۱۱۷ و ۱۱۹).

اشکال در بلع و تشنگی نیز دیده شده است. بیماران به شدت تحت تأثیر اختلالات عصبی رو به گسترش، از جمله سندرم آمستیک آنتروگرااد با حفظ نسبی دیگر عملکردهای شناختی قرار می‌گیرند. از کروماتوگرافی مایع با کارایی بالا می‌توان برای تست حضور اسید دوموئیک در صدف استفاده نمود. الکتروآنسفالوگرام، ممکن است عمومی و فعالیت امواج آهسته را نشان دهد. درمان حمایتی است و اختلالات علامت‌دار و عصبی باید به دقت تحت نظارت و درمان نمود (۱۱).

کلویوتوکسیسم (Clupeotoxism)

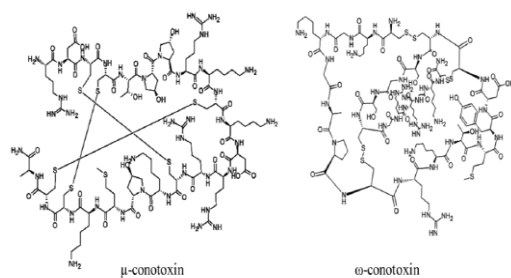
کلویوتوکسیسم یک مسمومیت دریایی مبهم گزارش شده از مناطق کارائیب و هند و اقیانوس آرام است که نتیجه مصرف ماهی پلانکتون‌خواری مانند شاه ماهی و ساردین است. اثرات کلویوتوکسیسم شدیدتر از سایر مسمومیت‌های دریایی هستند و میزان مرگ و میر در آن‌ها بالا است. علائم گوارشی شامل تهوع، استفراغ، کرامپ‌های شکمی، و اسهال همراه با طعم فلزی قوی غیر معمولی و عوارض عصبی شامل میدریاز، احساس خارش در عضلات، گرفتگی عضلانی، فلج، و کما هستند. علت و پاتوفیزیولوژی کلویوتوکسیسم نامشخص است، اما یافته‌های پس از مرگ نشان می‌دهد که ممکن است علت آن پالیتوکسین (palytoxin) باشد. درمان حمایتی است و مسمومیت شدید معمولاً کشنده است (۱۱ و ۱۲۰).

NSP می باشد، از نظر فارماکولوژی موجب غیر فعال شدن تغییر دهنده های درجه ها هستند، ولی هدف ملکولی آن ها نامشخص می باشد (۱۳۰).

کونوتوکسین ها (conotoxins)

μ-کونوتوکسین ها و δ-کونوتوکسین ها

(LD_{50 ip,mice}=۱۲۰۰۰-۳۰۰۰۰ μg/kg)، پلی پپتیدهای موجود در حلزون های مخروطی (cone snail) هستند (شکل ۱۲). هدف ملکولی آن ها جایگاه های ۱ (μ) و ۶ (δ) کانال های سدیمی، کانال کلسیمی (ω) و رسپتورهای نیکوتینی می باشد و از نظر فارماکولوژیک موجب مهار شکاف (μ) و طولانی گشتن زمان باز شدن کانال (δ) می گردند. در مورد علائم مسمومیت آن ها مطالعه چندانی انجام نشده است (۱۳۰)؛ هر چند، با توجه به این مکانیسم اثرات، تظاهرات مسمومیت با آن ها، قابل حدس است.



شکل ۱۲ ساختار μ-کونوتوکسین ها و δ-کونوتوکسین ها

نتیجه گیری

نورو توکسین های دریایی، ترکیبات تولید شده توسط گونه های ویژه ای از ارگانیسم ها و ماهی ها هستند که عمدتاً از طریق کانال های سدیمی وابسته به ولتاژ، پتاسیمی و کلسیمی اثر خود را اعمال می نمایند که مواجهه بسته به نوع توکسین از طریق استفاده مستقیم و غیرمستقیم در زنجیره غذایی موجب مسمومیت های عصبی و دیگر انواع مسمومیت ها نظیر گوارشی

می گردد و اثری شبیه به اثر اوآبائین (ouabain) را اعمال می نماید (۱۲۲ و ۱۲۳).

مطالعاتی پیشنهاد نموده اند که از تجمع دو مولکول PTX یک کانال، تشکیل شده که در مهار کلاسیک سدیم، پتاسیم و القای کلسیم نقش دارند (۱۲۴ و ۱۲۵) این ترکیب، یک کاردیوتوکسیک قوی است (۱۲۶).

همچنین پالیتوکسین به عنوان یک ماده کارسینوژن و پروموتور تومور شناخته شده است. این ترکیب از طریق اختلال در تنظیم سیگنالینگ سلولی، اعمال اثر می نماید (۱۰۱ و ۱۲۷). پالیتوکسین، موجب انقباض وابسته به دوز عضله صاف می گردند (۱۲۸).

همچنین نتایج مطالعات نشان می دهند که پالیتوکسین موجب یک سری واکنش های سمی، مهار تکثیر سلولی، گرد شدن سلول و اختلال در F-اکتین می گردد (۱۲۹).

علاوه بر اینها توکسین های دریایی دیگری نیز هستند که شاید به دلیل ناشناخته تر ماندنشان یا موارد نادرتر مسمومیت ها به دلیل وجود کمترشان در منابع غذایی و یا دیگر دلایل، دارای خصوصیت نورو توکسیسیته می باشند.

کولیاتوکسین (cooliatoxin)

کولیاتوکسین (LD_{50 ip,mice}=۱۰۰۰ μg/kg) یک ترکیب پلی اتری با ساختار نامشخص است که منشاء آن ارگانیسم های دینوفلاژت ها بوده و علائم مسمومیت همچون NSP می باشد، فارماکولوژی، مکانیسم اثر و هدف ملکولی آن ها نامشخص می باشد (۱۳۰).

اوسترو توکسین ۳ (Ostreotoxin 3)

اوسترو توکسین ۳ (LD_{50 ip,mice}=۳۲۰۰۰ μg/kg) یک ترکیب پلی اتری (پلی کتیدی) با ساختار نامشخص است که منشاء آن ارگانیسم های دینوفلاژت ها بوده و علائم مسمومیت آن ها همچون کولیاتوکسین، مشابه

مرگ و میر نیز مسمومیت تترودوتوکسین با وجود شیوع کمتر موارد مسمومیت نسبت به سیگواترا دارای میزان مرگ و میر بیشتری است. با توجه به رژیم‌های غذایی دریایی و فرهنگ‌های مختلف تغذیه‌ای و توزیع جغرافیایی جانوران دریایی به وجود آورنده مسمومیت و بر اساس ارزیابی خطر و احتمال بروز بیشتر برخی از مسمومیت‌ها در بعضی مناطق، آگاهی رسانی بیشتر و تمهیدات بیشتر جهت امکانات آموزشی و موارد مربوط به پیشگیری، اقدامات اورژانسی، درمانی و تشخیصی در این مناطق نسبت به اماکن با خطر کمتر، ضرورت می‌یابد.

می‌گردند. در بین سندرم‌های بالینی نورو توتوکسیک، مسمومیت‌های سیگواترا، تترودوتوکسین و صدفی پارالیتیک از نظر شیوع دارای اهمیت بیشتری هستند. سندرم اسکومبروید هم به دلیل فراوانی مسمومیت دارای اهمیت بیشتری می‌باشد. از نظر قدرت توکسیسیتی بر اساس LD₅₀ در بین نورو توتوکسین‌های مورد مطالعه، مایتوتوکسین، پالی‌توکسین و سیگواتوکسین، تترودوتوکسین و ساکسیتوکسین، بروتوکسین، آزاپیراسید، یسوتوکسین، کولی‌توکسین، دوموئیک اسید و کونوتوکسین‌ها به ترتیب دارای قدرت بیشتری گزارش گردیده‌اند. از نظر شیوع موارد مسمومیت‌ها، مسمومیت سیگواترا عمده‌ترین سندرم مسمومیت دریایی و از نظر

References:

1. Meier J, White J, editors. CRC Handbook of clinical toxicology of animal venoms and poisons. Boca Raton, Florida: CRC Press; 1995: p. 1-26.
2. Hungerford JM, Committee on Natural Toxins and Food Allergens. Marine and freshwater toxins. J AOAC Int 2006; 89: 248-69.
3. Mebs D, editor. Venomous and poisonous animals: a handbook for biologists, and toxicologists and toxinologists, Physicians and pharmacists/Dietrich Mebs. Boca Raton, Florida: CRC Press; 2002.
4. Jafari M, Mohebbi GH, Vazirizadeh A, et al. The injuries with stonefish; toxinology, clinical presentations and treatment. ISMJ 2014; 16: 493-507
5. Taheri N, Mohebbi GH, Vazirizadeh A, et al. Clinical manifestations and managements in jellyfish envenomation; A systematic review. ISMJ 2014; 16: 338-58.
6. Taheri N, Mohebbi GH, Vazirizadeh A, et al. The toxinology of jellyfishes; a systematic review. ISMJ 2013; 16: 338-58
7. Nabipour I, editor. Marine Medicine. 1st ed. Bushehr: Bushehr Univ Med Sci Press; 2008: p. 157.
8. Isbister GK. Venomous fish stings in tropical northern Australia. Am J Emerg Med 2001; 19: 561.
9. Hall M. Something fishy: six patients with an unusual cause of food poisoning. Emerg Med 2003; 15: 293-5.
10. White J, Warrell D, Eddleston M, et al. Clinical toxicology where are we now? J Toxicol Clin Toxicol 2003; 41: 263-76.
11. Isbister GK, Kiernan MC. Neurotoxic marine poisoning. Lancet Neurol 2005; 4: 219-28.
12. Dettbarn WD. Mechanism of Action of Tetrodotoxin (TTX) and Saxitoxin (STX). In: Simpason LL, editor. Neuropoisons. Vol 1. New York: plenum press; 1971: p. 169-86.
13. Morrow JD, Margolies GR, Rowland J, et al. Evidence that histamine is the causative toxin of scombroid-fish poisoning. N Engl J Med 1991; 324: 716-20.
14. Schnorf H, Taurarii M, Cundy T. Ciguatera fish poisoning: a double-blind randomized trial of mannitol therapy. Neurology 2002; 58: 873-80.
15. Melissa AF, Lora EF, Mercedes F, et al. Ciguatera Fish Poisoning: Treatment, Prevention and Management. Mar Drugs 2008; 6: 456-79.
16. Lehane L, Lewis RJ. Ciguatera: recent advances but the risk remains. Int J Food Microbiol 2000; 61: 91-125.
17. Lewis RJ. The changing face of ciguatera. Toxicon 2001; 39: 97-106.
18. Ebesu J. Isolation and Characterization of Novel Ciguateric Compounds from Acanthurus Triostegus (Manini) [dissertation]. Hawaii: Univ Hawaii., 1998.
19. Nicholson GM, Lewis RJ. Ciguatoxins: cyclic

- polyether modulators of voltage-gated ion channel function. *Mar Drugs* 2006; 4: 88-118.
20. Begier E, Weisman R, Hammond R, et al. Outbreak bias in illness reporting and case confirmation in ciguatera fish poisoning Surveillance in South Florida. *Public Health Rep* 2006; 121: 658-65.
 21. Lucas RE, Lewis RJ, Taylor JM. Pacific ciguatoxin-1 associated with a large common-source outbreak of ciguatera in east Arnhem Land, Australia. *Nat Toxins* 1997; 5: 136-40.
 22. Swift AE; Swift TR. Ciguatera. *J Toxicol Clin Toxicol* 1993; 31: 1-29.
 23. Arena P, Levin B, Fleming LE, et al. A pilot study of the Cognitive and psychological correlates of chronic ciguatera poisoning. *Harmful Algae* 2004; 3: 51-60.
 24. Friedman MA, Arena P, Levin B, et al. Neuropsychological study of ciguatera fish poisoning: A longitudinal case-control study. *Arch Clin Neuropsychol* 2007; 22: 545-53.
 25. Bagnis R, Kuberski T, Laugier S. Clinical observations on 3,009 cases of ciguatera (fish poisoning) in the South Pacific. *Am J Trop Med Hyg* 1979; 28: 1067-73.
 26. Quod JP, Turquet J. Ciguatera in Reunion Island (SW Indian Ocean): epidemiology and clinical patterns. *Toxicon* 1996; 34: 779-85.
 27. Coraboeuf E, Deroubaix E, Coulombe A. Effect of tetrodotoxin on action potentials of the conducting system in the dog heart. *Am J Physiol* 1979; 236: 561-7.
 28. Saint DA. The cardiac persistent sodium current: an appealing therapeutic target? *Br J Pharmacol* 2008; 153: 1133-42.
 29. Lehane L. Paralytic shellfish poisoning: a potential public health problem. *Med J Aust* 2001; 175: 29-31.
 30. Bottein Dechraoui MY, Wang Z, Ramsdell JS. Optimization of ciguatoxin extraction method from blood for Pacific ciguatoxin (*P-CTX-1*). *Toxicon* 2007; 49: 100-5.
 31. Bottein DMY, Wang Z, Turquet J, et al. Biomonitoring of ciguatoxin exposure in mice using blood collection cards. *Toxicon* 2005; 46: 243-51.
 32. Bousquet P, Feldman J, Bloch R, et al. Medullary cardiovascular effects of tetrodotoxin in anaesthetized cats. *Eur J Pharmacol* 1980; 65: 293-6.
 33. Manger RL, Leja LS, Lee SY, et al. Detection of sodium channel toxins: directed cytotoxicity assays of purified ciguatoxins, brevetoxins, saxitoxins, and seafood extracts. *J AOAC Int* 1995; 78: 521-7.
 34. Chan TY, Kwok TC. Chronicity of neurological features in ciguatera fish poisoning. *Hum Exp Toxicol* 2001; 20: 426-8.
 35. Bagnis R, Spiegel A, Boutin JP, et al. Evaluation of the efficacy of mannitol in the treatment of ciguatera in French Polynesia. *Med Tropicale* 1992; 52: 67-73.
 36. Lewis RJ. Ciguatera management. *SPC Live Reef Fish Information Bulletin* 2000; 7: 11-3.
 37. Baden DG, Fleming LE, Bean JA. Marine toxins. In: de Wolff FA, editor. *Handbook of clinical neurology. Intoxications of the Nervous System. Part II.* Amsterdam: Elsevier Science BV; 1995: vol 21, p.89.
 38. Mattei C, Molgo J, Marquais M, et al. Hyperosmolar D-mannitol reverses the increased membrane excitability and the nodal swelling caused by Caribbean ciguatoxin-1 in single frog myelinated axons. *Brain Res* 1999; 847: 50-8.
 39. Stewart MP. Ciguatera fish poisoning: treatment with intravenous mannitol. *Trop Doct* 1991; 21: 54-5.
 40. Blythe DG, de Sylva DP, Fleming LE, et al. Clinical experience with i.v. Mannitol in the treatment of ciguatera. *Bull Soc Pathol Exot* 1992; 85: 425-6.
 41. Palafox NA, Jain LG, Pinano AZ, et al. Successful treatment of ciguatera fish poisoning with intravenous mannitol. *JAMA* 1988; 259: 2740-2.
 42. Birinyi SLC, Davies MJ, Lewis RJ, et al. Neuroprotectant effects of iso osmolar d-mannitol to prevent Pacific ciguatoxin-1 induced alterations in neuronal excitability: A comparison with other osmotic agents and free radical scavengers. *Neuropharmacol* 2005; 49: 669-86.
 43. Lange WR, Kreider SD, Hattwick M, et al. Potential benefit of tocainide in the treatment of ciguatera: report of three cases. *Am J Med* 1988; 84: 1087-8.
 44. Calvert GM, Hryhorczuk DO, Leikin JB. Treatment of ciguatera fish poisoning with amitriptyline and nifedipine. *J Toxicol Clin Toxicol* 1987; 25: 423-8.
 45. Berlin RM, King SL, Blythe DG. Symptomatic improvement of chronic fatigue with fluoxetine in ciguatera fish poisoning. *Med J Aust* 1992; 157: 567.
 46. Davis RT, Villar LA. Symptomatic improvement with amitriptyline in ciguatera fish poisoning. *New Eng J Med* 1986; 315: 65.
 47. Perez CM, Vasquez PA, Perret CF. Treatment of ciguatera poisoning with gabapentin. *New*

- Engl J Med 2001; 344: 692-3.
- 48.Fleming LE, Blythe DG, Baden DG. Ciguatera fish poisoning. *Shorem Trav Med Mont* 1997; 1: 1-5.
- 49.Benoit E, Laurent D, Mattei C, et al. Reversal of Pacific ciguatoxin-1B effects on myelinated axons by agents used in ciguatera treatment. *Cybiurn* 2000; 24: 33-40.
- 50.Bourdy G, Cabalion P, Amade P, et al. Traditional remedies used in the western Pacific for the treatment of ciguatera poisoning. *J Ethnopharmacol* 1992; 36: 163-74.
- 51.Connell JE, Colquhoun D. Risk of ciguatera fish poisoning: impact on recommendations to eat more fish. *Asia Pac J Clin Nutr* 2003; 12: S67.
- 52.Lange WR, Snyder FR, Fudala PJ. Travel and ciguatera fish poisoning. *Arch Int Med* 1992; 152: 2049-53.
- 53.Noguchi T, Onuki K, Arakawa O. Tetrodotoxin Poisoning Due to Pufferfish and Gastropods, and Their Intoxication Mechanism. *ISRN Toxicol* 2011; 276939.
- 54.Ohyabu N, Nishikawa T, Isobe M. First Asymmetric Total Synthesis of Tetrodotoxin. *J Am Chem Soc* 2003; 125: 8798-805.
- 55.Noguchi T, Arakawa O. Tetrodotoxin-distribution and accumulation in aquatic organisms, and cases of human intoxication. *Mar Drugs* 2008; 6: 220-42.
- 56.Yotsu-Yamashita M. Chemistry of puffer fish toxin. *J Toxicol-Toxin Rev* 2001; 20: 51-66.
- 57.Miyazawa K, Noguchi T. Distribution and origin of tetrodotoxin. *J Toxicol-Toxin Rev* 2001; 20: 11-33.
- 58.Hwang DF, Noguchi T. Tetrodotoxin poisoning. *Adv Food Nutr Res* 2007; 52: 142-236.
- 59.Zimmer T. Effects of Tetrodotoxin on the Mammalian Cardiovascular System. *Mar Drugs* 2010; 8: 741-62.
- 60.Noguchi T, Arakawa O, Takatani T. TTX accumulation in pufferfish. *Comp Biochem Physiol Part D Genomics Proteomics* 2006; 1: 145-52.
- 61.Isbister GK, Son J, Wang F, et al. Puffer fish poisoning: a potentially life-threatening condition. *Med J Aust* 2002; 177: 650-3.
- 62.Nikmaram M. Comparing the effect of neuronal type Na⁺ channel block on pacemaker activity of C57BL6/J mouse sinoatrial and atrioventricular node. *Arak Uni Med Sci J* 2007; 10: 74-80
- 63.Fukuda A, Tani A. Records of puffer poisonings, Report 3. *Nip Igak Oy Ken Hok* 1941; 3528: 7-13.
- 64.Noguchi T, Ebesu JSM. Puffer poisoning: epidemiology and treatment. *J Toxicol-Toxin Rev* 2001; 20: 1-10.
- 65.O'Leary MA, Schneider JJ, Isbister GK. Use of high performance liquid chromatography to measure tetrodotoxin in serum and urine of poisoned patients. *Toxicon* 2004; 44: 549-53
- 66.Field J. Puffer fish poisoning. *J Accid Emerg Med* 1998; 15: 334-6.
- 67.Marine poisoning Therapeutic Guidelines.A.A. Therapeutic Guidelines Ltd. 2014. (Etg42demo March 2014). (Access at: www.tg.org.au/etg_demo/desktop/tgc/twg/7299.)
- 68.Chowdhury FR, Nazmul HA, Mamunur Rashid AK, et al. Tetrodotoxin poisoning: a clinical analysis, role of neostigmine and shortterm outcome of 53 cases. *Singapore Med J* 2007; 48: 830-3.
- 69.Alexander J, Benford D, Cockburn A, et al. Scientific Opinion of the Panel on Contaminants in the Food Chain on a request from the European Commission on Marine Biotoxins in Shellfish Saxitoxin Group. *EFSA J* 2009; 1019: 1-76.
- 70.Yang WD, Wu MY, Liu JS, et al. Reporter gene assay for detection of shellfish toxins. *Biomed Environ Sci* 2009; 22: 419-22.
- 71.Oliveira J, Cunha A, Castilho F, et al. Microbial contamination and purification of bivalve shellfish: curicial aspects in monitoring and future perspectives-a mini-review. *Food Control* 2011; 22: 805-6.
- 72.Figen C, Tulay EM, Shellfish Poisoning and Toxins. *J Biol Env Sci* 2012; 6: 115-9.
- 73.Commission Regulation (EC) No 2074/2005. of the European Parliament and of the Council of 5 December 2005 laying down specific hygiene rules for food of animal origin. *OJ L* 2005; 338, 22. 12. EC; 2005: p.27-59.
- 74.Commission Regulation (EC) No 853/2004, Regulation (EC) No 853/2004 of the European Parliament and of the Council of 29 April 2004 laying down specific hygiene rules for food of animal origin. *OJ L* 2004; 139, 30.4. EC; 2004: p. 55-205.
- 75.Campas M, Prieto-Simon B, Marty JL. Biosensors to detect marine toxins: assessing seafood safety. *Talanta* 2007; 72: 884-95.
- 76.Wong CK, Hung P, Lee KLH, et al. Effect of steam cooking on distribution of paralytic shellfish toxins in different tissue compartments of scallops *Patinopecten yessoensis*. *Food Chem* 2009; 114: 72-80.
- 77.Etheridge SM. Paralytic shellfish poisoning: seafood safety and human health perspectives. *Toxicon* 2010; 56: 108-22.

78. Wang ZH, Nie XP, Jiang SJ, et al. Source and profile of paralytic shellfish poisoning toxins in shellfish in Daya Bay, South China Sea. *Mar Environ Res* 2011; 72: 53-9.
79. John EH, Flynn KJ. Growth dynamics and toxicity of *Alexandrium fundyense* (Dinophyceae): the effect of changing N: P supply ratios on internal toxin and nutrient levels. *Eur J Phycol* 2000; 35: 11-23.
80. MacKenzie L, Berkett N. Cell morphology and PSP-toxin profiles of *Alexandrium minutum* in the Marlborough Sounds, New Zealand. *New Zealand J Mar Fre Res* 1997; 31: 403-9.
81. Dell'Aversano C, Walter JA, Burton IW, et al. Isolation and structure elucidation of new and unusual saxitoxin analogues from mussels. *J Nat Prod* 2008; 71: 1518-23.
82. Lawrence JF, Niedzwiedek B, Menard C. Quantitative determination of paralytic shellfish poisoning toxins in shellfish using prechromatographic oxidation and liquid chromatography with fluorescence detection: collaborative study. *J AOAC Int* 2005; 88: 1714-32.
83. Maria W, Paul MDA, Troco KM, et al. Neurotoxic Alkaloids: Saxitoxin and Its Analogs. *Mar Drugs* 2010; 8: 2185-211.
84. Cestèle S, Catterall WA. Molecular mechanisms of neurotoxin action on voltage-gated sodium channels. *Biochim* 2000; 82: 883-92.
85. Hartshorne RP, Catterall WA. The sodium channel from rat brain. Purification and subunit composition. *J Biol Chem* 1984; 259: 1667-75.
86. Su Z, Sheets M, Ishida H, et al. Saxitoxin blocks L-type ICa. *J Pharmacol Exp Ther* 2004; 308: 324-9.
87. Wang J, Salata JJ, Bennett PB. Saxitoxin is a gating modifier of HERG K⁺ channels. *J Gen Physiol* 2003; 121: 583-98.
88. Llewellyn LE. Saxitoxin, a toxic marine natural product that targets a multitude of receptors. *Nat Prod Rep* 2006; 23: 200-22.
89. Kao CY. Paralytic shellfish poisoning. In: Falconer ER, Edithor. *Algal Toxins in Seafood and Drinking Water*. London: Academic; 1993; p. 75-86.
90. Garcia C, Del Carmen BM, Lagos M, et al. Paralytic shellfish poisoning: post-mortem analysis of tissue and body fluid samples from human victims in the Patagonia fjords. *Toxicon* 2004; 43: 149-58.
91. Gessner BD, Bell P, Doucette GJ, et al. Hypertension and identification of toxin in human urine and serum following a cluster of mussel-associated paralytic shellfish poisoning outbreaks. *Toxicon* 1997; 35: 711-22.
92. Andrinolo D, Iglesias V, Garcia C, et al. Toxicokinetics and toxicodynamics of gonyautoxins after an oral toxin dose in cats. *Toxicon* 2002; 40: 699-709.
93. Mons MN, Van Egmond HP, Speijers GJA. Paralytic shellfish poisoning: A review. National Institute of Public Health and Environment (RIVM), Bilthoven, the Netherlands. RIVM.. 1998: Report No. 388802 005.
94. Prakash A, Medcof JC, Tennant AD. Paralytic shellfish poisoning in eastern Canada. *Bull Fish Res Bd Canada* 1971; 177: 87-8.
95. Ruiz-Capillas C, Moral A. Free amino acids and biogenic amines in red and white muscle of tuna stored in controlled atmospheres. *Amino Acids* 2004; 26: 125-32.
96. James MH. Scombroid poisoning: A review. *Toxicon* 2010; 56: 231-43.
97. Muller GJ, Lamprecht JH, Barnes JM, et al. Scombroid poisoning Case series of 10 incidents involving 22 patients. *SAMJ* 1992; 81: 1355-6.
98. Rawles DD, Flick GJ, Martin RE, Biogenic amines in fish and shellfish. *Adv Food Nutr Res* 1996; 39: 329-64.
99. Petersen J, Raithel M, Schwelberger HG. Histamine N-methyl- transferase and diamine oxidase gene polymorphisms in patients with inflammatory and neoplastic intestinal diseases. *Inflamm Res* 2002; 51: S91-2.
100. Hwang DF, Chang SH, Shiau CY, et al. High-performance liquid chromatographic determination of biogenic amines in fish implicated in food poisoning. *J Chromat* 1997; 693: 23-30
101. Gessner B, Hokama Y, Isto S. Scombrototoxicosis-like illness following the ingestion of smoked salmon that demonstrated low histamine levels and high toxicity on mouse bioassay. *Clin Infect Dis* 1996; 23: 1316-8.
102. Chang SC, Kung HF, Chen HC, et al. Determination of histamine and bacterial isolation in swordfish fillets (*Xiphias gladius*) implicated in a foodborne poisoning. *Food Cont* 2008; 19: 16-21.
103. Medic8. A guide for food poisoning. Scombroid poisoning. Food poisoning guide. Medic8 Ltd.Scotland, company number 292442. (Accessed at:

- <http://www.medic8.com/healthguide/food-poisoning/scombroid-poisoning.html>.)
104. Lehane L, Olley J. Histamine fish poisoning revisited. *Int J Food Microbiol* 2000; 58: 1-37.
 105. Cattaneo DP. Scombroid syndrome histamine poisoning. *Food* 2011; 2: 1-76.
 106. Center for Disease Control and Prevention (CDC). Epidemiological notes and reports on scombroid fish poisoning. Atlanta, GA, USA: Center for Disease Control and Prevention. 2010. (Accessed at: <http://www.cdc.gov/mmwr/preview/mmwrhtml/mm5931a1.htm>.)
 107. Ben-Gigery B, de Sousa JVBM, Villa TG, Barros-Velazquez J. Histamine and cadaverine production by bacteria isolated from fresh and frozen albacore (*Thunnus alalunga*). *J Food Prot* 1999; 62: 933-9.
 108. Ijomah P, Clifford MN, Walker R, et al. The importance of endogenous histamine relative to dietary histamine in the aetiology of scombrototoxicosis. *Food Addit Contam* 1991; 8: 531-42.
 109. McNerney J, Sahgal P, Vogel M, et al. Scombroid poisoning. *Ann Emerg Med* 1996; 28: 235-8.
 110. Chateau-Degat ML, Huin-Blondy MO, Chinain M, et al. Prevalence of chronic symptoms of ciguatera disease in French Polynesian adults. *Am J Trop Med Hyg* 2007; 77: 842-6.
 111. Blakesley ML. Scombroid poisoning: prompt resolution of symptoms with cimetidine. *Ann Emerg Med* 1983; 12: 104-6.
 112. Di Grande A, Giuffrida C, Gatta C, et al. Sindrome sgombroide, una ittiotossicosi a patogenesi incerta potenzialmente grave: esperienza personale. *Ann Ital Med Int* 1999; 14: 52-3.
 113. Dickey R. Ciguatera toxins: chemistry, toxicology and detection in seafood and freshwater toxins. In: Botana, Luis M. (Ed.), *Pharmacology, Physiology, and Detection*, 2 ed. Taylor and Francis, Boca Raton, 2008: pp. 479-500.
 114. Morris PD, Campbell DS, Taylor TJ, et al. Clinical and epidemiological features of neurotoxic shellfish poisoning in North Carolina. *Am J Public Health* 1991; 81: 471-4.
 115. Baden DG. Brevetoxins: unique polyether dinoflagellate toxins. *FASEB J* 1989; 3: 1807-7.
 116. Vale P, Sampayo MAM. Domoic acid in Portuguese shellfish and fish. *Toxicon* 2001; 39: 893-904.
 117. Perl TM, Bedard L, Kosatsky T, et al. An outbreak of toxic encephalopathy caused by eating mussels contaminated with domoic acid. *N Engl J Med* 1990; 322: 1775-80.
 118. Wekell JC, Gauglitz EJJ, Barnett HJ, et al. Occurrence of domoic acid in Washington state razorclams (*Siliqua patula*) during 1991-1993. *Nat toxins* 1994; 2: 197-205.
 119. Teitelbaum JS, Zatorre RJ, Carpenter S, et al. Neurologic sequelae of domoic acid intoxication due to the ingestion of contaminated mussels. *N Engl J Med* 1990; 322: 1781-7.
 120. Randall JE. Review of clupeotoxism, an often fatal illness from the consumption of clupeoid fishes. *Pac Sci* 2005; 59: 73-7.
 121. Wu CH. Palytoxin: membrane mechanisms of action. *Toxicon* 2009; 15: 1183-9.
 122. Vale C, Gómez-Limia B, Vieytes MR, et al. Mitogen-activated protein kinases regulate palytoxin-induced calcium influx and cytotoxicity in cultured neurons. *Br J Pharmacol* 2007; 152: 256-66.
 123. Hirsh JK, Wu CH. Palytoxin-induced single-channel currents from the sodium pump synthesized by in vitro expression. *Toxicon* 1997; 35: 169-76.
 124. Ecault E, Sauviat MP. Characterization of the palytoxin-induced sodium conductance in frog skeletal muscle. *Br J Pharmacol* 1991; 102: 523-9.
 125. Kocks-kämper J, Ahmmed GU, Zima AV, et al. Palytoxin disrupts cardiac excitation-contraction coupling through interactions with P-type ion pumps. *Am J Physiol Cell Physiol* 2004; 287: C527-38.
 126. Frelin C, Vigne P, Breittmayer JP. Mechanism of the cardiotoxic action of palytoxin. *Mol Pharmacol* 1990; 38: 904-9.
 127. Wattenberg EV. Modulation of protein kinase signaling cascades by palytoxin. Review. *nToxicon* 2011; 57: 440-8.
 128. Posangi J, Harris JB, Zar MA. Palytoxin-induced transmitter release in the autonomic nervous system of the rat. *Toxicon* 1994; 32: 965-75.
 129. Valverde I, Lago J, Reboreda A, et al. Characteristics of palytoxin-induced cytotoxicity in neuroblastoma cells. *Toxicol in Vitro* 2008; 22: 1432-9.
 130. Kathleen DC, Gary SS. An Overview on the Marine Neurotoxin, Saxitoxin: Genetics, Molecular Targets, Methods of Detection and Ecological Functions. *Mar Drugs* 2013; 11: 991-1018.

Review Article

Neurotoxic Syndromes in Marine Poisonings; a Review

GH. Mohebbi^{1*}, I. Nabipour¹, A. Vazirizadeh²

¹ *Department of Marine Toxinology, the Persian Gulf Marine Biotechnology Research Center, the Persian Gulf Biomedical Research Center, Bushehr University of Medical Science, Bushehr, IRAN*

² *Department of Marine Biotechnology, The Persian Gulf Research and Studies Center, The Persian Gulf University, Bushehr, IRAN*

(Received 5 May, 2014 Accepted 29 May, 2014)

Abstract

Background: Marine neurotoxins as of Marine biotoxins are natural toxins that produced mainly by dinoflagellates, diatoms and several species of invertebrates and fish. Marine poisoning results from the ingestion of marine animals contain these toxins and causes considerable adverse effects.

Materials and methods: This review provides some facts about the structures of marine neurotoxins, their molecular target and pharmacology, analytical methods for their detection and quantitation, diagnosis and laboratory testing, clinical manifestations, as well as prevention and treatment, if were obtainable. Furthermore, we focus on marine poisoning and various associated neurological syndromes like ciguatera, tetrodotoxin poisoning, and paralytic shellfish poisoning, after ingestion of the common marine toxins.

Results: A number of neurotoxins that prescribed according to their potency (LD_{50}) are: Maitotoxin, Ciguatoxins and Palytoxin, Tetrodotoxin and Saxitoxin, Brevetoxins, Azaspiracid, Yessotoxin, Cooliatoxin, Domoic acid and Conotoxins, Respectively. The primary target of most marine neurotoxins is voltage gated sodium channels and the resulting block of ion conductance through these channels. Moreover, these compounds interact with voltage-gated potassium and calcium channels and modulate the flux of stated ions into many cell types. As well, the target recognized for palytoxin is the $Na^+ - K^+ /ATPase$.

Conclusion: Results of reviewed studies revealed that, the Ciguatera is the commonest syndrome of marine poisoning, but is rarely lethal. Puffer fish poisoning results from the ingestion of fish containing tetrodotoxin and paralytic shellfish poisoning are less common, but have a higher fatality rate than ciguatera. Despite their high toxicity, no much research has been done on some of the toxins, like maitotoxin. In addition, there have remained unknown the pharmacological effects, mechanism of action and molecular target of some toxins such as Cooliatoxin and Ostreotoxins, Which could be the subject of the research in Future, or perhaps a new generation of drugs.

Key words: Marine neurotoxins, Neurotoxic syndromes, Voltage gated channels, Clinical manifestations.

*Address for correspondence: The Persian Gulf marine biotechnology research center, the Persian Gulf biomedical research center, Bushehr University of medical sciences, Bushehr, Iran. Email: mohebbihsn@yahoo.com.